

# تحلیل مفهوم زیبایی در قرآن کریم

## به کمک شبکه معنایی\*

- سیده الهام آقایی ابرندآبادی<sup>۱</sup>
- جمیله علم‌الهدی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل مفهوم زیبایی در قرآن کریم با کمک شبکه معنایی تنظیم گردیده که عبارت است از فهم معنای یک مفهوم از طریق بررسی مفاهیم مربوط به آن، به طوری که جنبه‌های مهم و اختصاصی آن مفهوم و همچنین روابطش با دیگر مفاهیم آشکار شود. برای تأمین هدف کلی فوق، مراحل مفهوم‌شناسی واژگان زیبایی و زیانمایی، شناسایی جایگاه واژگان، شناسایی روابط مفهومی میان واژگان، استنباط مفاهیم کلیدی و در نهایت تحلیل مفهوم زیبایی حقیقی منتهی به خیر، منتهی به شر و زیانمایی صورت پذیرفته است. نتایج این پژوهش عبارتند از اینکه در قرآن باید میان مفاهیم زیبایی حقیقی منتهی به خیر و منتهی به شر و زیانمایی تمایز قائل شد. مفاهیم زیبایی (و زیانمایی) به شدت در هم تنیده هستند. در واقع مصداق زیبایی (و زیانمایی)،

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱/۳۰.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه الزهراء (ع) (نویسنده مسئول) (e.agmaie7@gmail.com).
۲. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (g\_alamolhoda@sbu.ac.ir).

در عین حال می‌تواند خود مولّد (عامل)، معلول و یا متقارن با زیبایی‌های دیگر (و زیبانمایی) نیز باشد. این مفاهیم مولّد، به عنوان مفاهیم کلیدی برگزیده شدند. در تحلیل مفهوم زیبایی حقیقی منتهی به خیر، منتهی به شر و زیبانمایی با بررسی مفاهیم مشترک روابط ایجابی و سلبی و ارتباط اشراقی که میان این مفاهیم برقرار است، باید گفت که در زیبایی حقیقی منتهی به خیر، مفهوم ایمان به خداوند جایگاه اساسی دارد. در زیبایی حقیقی منتهی به شر و زیبانمایی نیز هرچند در ابتدای راه کاملاً از هم متمایز هستند، اما در انتهای مسیر به یک نقطه منتهی می‌گردند. در هر دو، مفهوم کفر از نقش کلیدی برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** تحلیل مفهوم، زیبایی، قرآن کریم، شبکه معنایی.

## ۱. مقدمه

زیبایی‌شناسی قرآن کریم در ساختاری منظم که میان مفاهیم مختلف به شکل سازمان‌یافته‌ای ارتباط برقرار است، قابل درک می‌باشد. بر این اساس مفاهیم قرآن کریم در یک نظام معناشناختی قرار دارند. بنابراین برای کشف معنا، علاوه بر روشن ساختن جایگاه واژه در فرهنگ لغت و قرآن، باید واژه را در حوزه‌ای از واژه‌های دیگر و در ترکیب میان کلمات جستجو کرد و شبکه مفهومی آن را به دست آورد (خامه‌گر، ۱۳۸۲). با این روش ضمن نمایش میدان‌هایی از مفاهیم، هر یک با موضوعات دیگر مرتبط شده و مراد الهی از کلام و حیانی دریافت می‌گردد (سیدبن قطب، ۱۳۸۹). این روش توسط توشیهیکو ایزوتسو (۱۹۹۳ م. / ۱۳۷۱)، پژوهشگر قرآنی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. وی با استفاده از شبکه پیچیده‌ای از ارتباطات چندجانبه میان کلمات، به دنبال یافتن نگرشی جامع و سازمان‌یافته از مفاهیم قرآن بوده است (ایزوتسو، ۱۳۶۲: ۳۴).

بیشتر مقالات در زمینه زیبایی‌شناسی قرآن مربوط به حوزه‌های زبانی، بیان و بلاغت، داستان‌ها و مثل‌های قرآنی و نیز موسیقایی هستند. اما با دقت نظر در مقالاتی که به حوزه واژگان زیبایی و نیز مفاهیم مرتبط با زیبایی در قرآن کریم پرداخته‌اند و مرتبط به موضوع پژوهش حاضر می‌باشند، این نتایج به دست آمد:

در این مقالات مباحث واژه‌شناسی زیبایی در قرآن کریم و نیز بیان پدیده‌ها و نشانه‌های زیبایی‌شناختی در کلام وحی، زیبایی‌های محسوس و معقول در قرآن مطرح

گردیده و البته تا حدی بحث زیانمایی‌ها تحت عنوان آسیب‌شناسی زیبایی در قرآن کریم و عوامل تزیین زشتی‌ها و پوشاندن زیبایی‌ها، تسویلات نفس و تزیینات شیطان نیز در آن‌ها مورد بحث قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان به مقالات «مفاهیم زیبایی‌شناختی در قرآن» (خرزانی، ۱۳۸۷)، «قرآن کریم چشمه‌سار زیبایی‌شناسی» (همو، ۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی زیبایی‌ها در پرتو وحی» (شاه‌پسند، ۱۳۸۸)، «زیبایی‌ها و زینت‌ها از منظر قرآن مجید» (شریفی، ۱۳۸۷) و «مصادق‌های زیبایی در نگاه قرآن کریم» (عادلی مقدم، ۱۳۸۳) اشاره کرد.

بحث بعدی که در مقالات مورد توجه بوده، ضرورت فرایند معناشناسی زیبایی در قرآن کریم و استخراج ساختار هندسی آیات قرآن می‌باشد؛ برای مثال می‌توان به مقالات «اصول و مبانی زیبایی‌شناسی قرآن کریم» (ایازی، ۱۳۸۵) و «مبانی زیبایی‌شناسی در قرآن، قرآن به مثابه نظریه‌پردازی زیبایی» (مطیع، ۱۳۸۵) اشاره کرد. اما کشف منظومه مفهومی از معنای زیبایی در قرآن کریم صرفاً بر اساس بررسی ترکیبات توصیفی منتخب به دست آمده که در مقاله پژوهشی با عنوان «وجوه تربیتی مفهوم زیبایی در ترکیبات وصفی قرآن و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت» (حسین‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱) مشهود است و فراتر از آن اقدامی صورت نگرفته است.

جنبه نوآوری پژوهش حاضر را نسبت به این مقالات می‌توان چنین ذکر کرد که در این مقاله سعی بر آن بوده که ضمن شناسایی واژگان زیبایی و نیز زیانمایی و جایگاه این واژگان، شبکه معنایی زیبایی در قرآن بر اساس روابط مفهومی میان واژگان تشکیل شود. لذا بررسی نسبتاً جامعی در این زمینه در آیات قرآن کریم با رجوع به وجوه تفسیری معتبر صورت پذیرفته است.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل مفهوم زیبایی در قرآن کریم به کمک شبکه معنایی صورت پذیرفته است. سؤالات پژوهش عبارتند از: واژگان ناظر به زیبایی و زیانمایی در قرآن چیست؟ این واژگان از چه جایگاهی نسبت به هم برخوردارند؟ این واژگان از طریق چه روابط مفهومی در قرآن به هم مرتبط می‌گردند؟ مفاهیم کلیدی مرتبط با زیبایی و زیانمایی به دست آمده از روابط مفهومی این واژگان در قرآن کدام‌اند؟ و در نهایت از زیبایی و زیانمایی در قرآن کریم بر اساس شبکه معنایی زیبایی چه تحلیلی قابل ارائه است؟

برای رسیدن به هدف پژوهش، نخست واژگان ناظر به زیبایی حقیقی و در مقابل آنها، واژگان ناظر به زیانمایی مورد بررسی قرار گرفت و سپس به فهم مفهوم زیبایی از طریق بررسی مفاهیم مربوط به آن در آیات قرآنی پرداخته شد و در نهایت مفاهیم در قالب روابط ایجابی و سلبی بین مفاهیم در شبکه معنایی تنظیم گردید. کلیدی‌ترین مفاهیم از میان مفاهیم مشترک این روابط انتخاب گردیده‌اند و در نهایت بر اساس تمایز به دست آمده میان زیبایی حقیقی منتهی به خیر و منتهی به شر و زیانمایی در شبکه معنایی زیبایی، تحلیلی از این مفاهیم ارائه گردید.

## ۲. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیلی و تحلیل بر اساس شبکه معنایی بهره گرفته شده است. برخی از واژه‌ها به سبب معانی مرتبط و نزدیکی که با یکدیگر دارند، به صورت شبکه‌ای به هم پیوسته ظهور می‌کنند. ایزوتسو از این ویژگی به عنوان حوزه یا میدان معنایی یاد کرده است. نوع ارتباط عناصر داخل این شبکه را می‌توان تحت عنوان «ارتباط اشراقی» و «ارتباط اندراجی» مورد بررسی قرار داد. ارتباط اشراقی میان مفاهیم با اشاره تمثیلی به طلوع خورشید، حاکی از ارتباطی نظیر نور و شعاع‌های آن است، پس یکی در کانون و دیگری در پیرامون است. در ارتباط اندراجی رابطه‌ای از نوع سلسله‌مراتب مورد نظر است که در آن برخی مفاهیم در ذیل مفهومی دیگر قرار می‌گیرند و بُعد یا ابعادی از آن را تشکیل می‌دهند (باقری، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۸۰).

بر این اساس، آیات قرآن کریم (برای تشکیل شبکه مفهومی) مورد بررسی قرار گرفت و فیش‌برداری از آن صورت گرفت. لازم به ذکر است که در مواردی که از ظاهر آیه، مفهوم مورد نظر به درستی درک نمی‌شد به تفاسیری نظیر المیزان، آسان، نمونه و نیز فرهنگ قرآنی رجوع شده است. در ضمن برای یافتن تمامی این مفاهیم، بنا به ضرورت، آیات قبل و بعد آیه مورد نظر نیز بررسی گردیده‌اند. با بررسی جایگاه واژگان ناظر به زیبایی و زیانمایی در قرآن کریم، نوعی رابطه اندراجی میان واژگان شناسایی گردید. در ادامه فهم مفهوم زیبایی از طریق بررسی مفاهیم مربوط به آن در آیات قرآنی انجام شد و در نهایت مفاهیم در قالب روابط ایجابی و سلبی بین مفاهیم در

شبکه معنایی تنظیم گردید. از بررسی این روابط مشخص شد که مفاهیم مشترکی وجود دارند و این مفاهیم مشترک ارتباط اشراقی با هم دارند.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

#### ۳-۱. عینی یا ذهنی بودن زیبایی

در نگرش اسلامی این بحث که زیبایی عینی است یا ذهنی، بحثی جدی است. در این نگرش زیبایی در حوزه ارزش‌شناسی مطرح می‌شود. در دیدگاه اسلامی نیز سه نظریه عین‌گرایی و ذهن‌گرایی و نیز تلفیقی مطرح است و مصباح یزدی (۱۳۸۱) به آن‌ها پرداخته است. علامه طباطبایی از جمله علمایی است که به نظریه تلفیقی اعتقاد دارند. به اعتقاد ایشان، معنای حسن (زیبایی) چیزی جز باب میل نفس، طبع و قوای احساسی و ادراکی نسبت به اعتدال و تناسب موجود در پدیده‌ها نیست (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۵). علامه جعفری نیز با این تعبیر که زیبایی یک حقیقت دوقطبی (درون‌ذاتی و برون‌ذاتی) است، به این نظریه گرایش دارد (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۸۸-۱۹۱).

بنابراین به نظر می‌رسد زیبایی حاصل دو حیث است و از رابطه میان عالم و معلوم به دست می‌آید؛ یعنی هم به ویژگی‌های شیء بستگی دارد و هم به نحوه ادراک ما از آن شیء مربوط می‌شود. پس هرچند وجود زیبایی از مدرک مستقل است، ولی کشف آن در گرو مدرک است. پس می‌توان زیبایی را در دو سطح مورد بررسی قرار داد:

۱. زیبایی به مثابه ویژگی شیء خارجی، ۲. زیبایی به مثابه ویژگی انسان مدرک آن.

#### ۳-۲. تقسیم‌بندی زیبایی

شهید مطهری زیبایی‌ها را به زیبایی‌های محسوس، معقول و معنوی تقسیم می‌کند (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۱۶):

الف) زیبایی محسوس: مطهری زیبایی‌های طبیعی به عنوان زیبایی‌های محسوس در نظر می‌گیرد و زیبایی حسی را به شنیداری و دیداری تقسیم می‌کند (همان: ۲۳۹).

ب) زیبایی‌های معنوی: در کنار زیبایی‌های محسوس که ابزار شناخت و درک آن حواس است، مطهری معتقد است یک سلسله زیبایی‌های غیر محسوس و معنوی نیز

وجود دارد که مدرک آن قوه خیالیه انسان است (همان: ۵۸).

وی با اشاره به آیه ۲۳ سوره زمر، اذعان می‌دارد که یکی از بزرگ‌ترین عوامل جهانی کردن قرآن، عامل زیبایی فوق‌العاده آن است (مطهری، ۱۳۹۰: ۴۹۸). این آیه ناظر به اثرگذاری‌های معنوی و تحول‌آفرینی قرآن است.

ج) زیبایی‌های معقول: مطهری معتقد است سلسله زیبایی‌هایی در اوج حس و قوه خیالیه انسان قرار دارند که تنها عقل انسان قادر به درک آنهاست که آنها را زیبایی‌های معقول می‌نامند (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۱۶). بنابراین از این منظر اخلاق در مقوله زیبایی محسوب می‌شود (همان: ۱۰۰-۱۰۸). وی در این زمینه به «صبر جمیل» (معارف/ ۵)، «عفو جمیل» و «هجرت جمیل» (مزمّل/ ۱۰) در قرآن اشاره می‌کند.

در واقع زیبایی‌های معنوی مطابق با گفته‌های خود شهید مطهری در دسته زیبایی‌های معقول قابل تقسیم‌بندی است؛ چرا که به تعبیر وی زیبایی‌های معقول خود مرتبه بالای زیبایی‌های معنوی به حساب می‌آیند.

اما به اعتقاد علامه جعفری، چهار نوع زیبایی اساسی وجود دارد: الف) زیبایی محسوس، ب) زیبایی نامحسوس طبیعی، مانند زیبایی آزادی و علم محض با قطع نظر از جنبه قداست آن، ج) زیبایی معقول ارزشی، مانند عدالت، حکمت، شجاعت و دیگر وارستگی‌های روحی، د) زیبایی و جمال مطلق لم‌یزلی و لایزلی (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۶۲-۱۶۳). به نظر می‌رسد می‌توان دسته دوم، سوم و چهارم را با یکدیگر تحت عنوان زیبایی معقول ادغام کرد؛ چرا که مطابق با آنچه در دیدگاه شهید مطهری گفته شد زیبایی معقول، تشکیکی و دارای مراتب است که زیبایی نامحسوس طبیعی می‌تواند مرتبه پایین و زیبایی مطلق الهی مرتبه نهایی آن را نشان دهد.

مطابق دیدگاه آیه‌الله جوادی آملی زیبایی دو قسم است:

الف) زیبایی حسی: زیبایی حسی به طبیعت برمی‌گردد که معیار خاص ندارد.

ب) زیبایی عقلی: زیبایی عقلی به ماوراء طبیعت بازمی‌گردد و میان همگان مشترک

است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

از نگاه دیگری برای زیبایی مراتبی شمرده شده است:

۱. زیبایی حقیقی: از آن به زیبایی اخروی یا باطنی هم یاد شده است. زیبایی حقیقی

پایدار است و کسی که آن را درک کند، هیچ‌گاه اسیر زیبایی مادی زودگذر نمی‌شود.  
۲. زیبایی واقعی: یا زیبایی دنیوی و ظاهری که با چشم خود می‌بینیم و در حقیقت تجلی‌ای از زیبایی حقیقی است. قرآن این زیبایی را به چشم عودت می‌دهد که به‌عنوان نشانه واقعی پروردگار بدان توجه کند؛ اما اگر کسی اسیر این زیبایی بشود، از درک آن زیبایی حقیقی باز می‌ماند.

۳. زیبایی مجازی: زیبایی مجازی، دروغین یا باطل و به تعبیر قرآن «زیبایی شیطانی و نفسانی» است. این زیبایی موهوم است و هیچ نسبتی با حقیقت ندارد (رجبی، ۱۳۷۸: ۱۰۸-۱۰۷).

می‌توان گفت در این تقسیم‌بندی زیبایی به نکته جدیدی اشاره شده که سایر دسته‌بندی‌ها به آن پرداخته‌اند و آن طرح بحث زیبایی مجازی و نیز اینکه زیبایی‌های واقعی که ناظر به زیبایی‌های محسوس است، دو شق می‌یابد؛ یا منتهی به خیر می‌شود و به زیبایی حقیقی می‌پیوندد یا منتهی به شر می‌گردد.

می‌توان نظرات فوق را بدین نحو جمع‌بندی کرد. زیبایی در دو دسته کلی قابل تقسیم است:

- الف) زیبایی‌های حقیقی شامل: ۱. زیبایی محسوس: منتهی به خیر و منتهی به شر،
۲. زیبایی معقول،
- ب) زیبایی مجازی.

در نگرش اسلامی زیبایی‌های محسوس، پایین‌ترین رده زیبایی‌ها هستند که برای اکثر مردم ملموس‌اند، اما زیبایی‌های برتر و فراتر از زیبایی‌های حسی هم وجود دارند که جزء زیبایی‌های معقول به حساب می‌آیند. این زیبایی‌ها، تشکیکی و دارای مراتب هستند. والاترین مرتبه آن مختص ذات الهی است که با تعمق و تفکر در زیبایی‌های محسوس به عنوان آیات الهی و نشانه‌های او و در مرحله بعد مراتب پایین‌تر زیبایی‌های معقول قابل درک و فهم می‌گردد.

#### ۴. واژگان ناظر به زیبایی و زیانمایی در قرآن کریم

باید توجه داشت که مفاهیم به کار رفته در قرآن نوعی پیوند در جهان‌بینی دارد و از

پشتوانه‌ای عقیدتی و فرهنگی برخوردار است و بدون پژوهش گسترده و معاشناسانه در کل قرآن چنین درکی حاصل نمی‌شود (ایازی، ۱۳۸۵: ۱۴). در این پژوهش، مفاهیم زیبایی (و زیانمایی) بر اساس نوعی بررسی مفهوم‌شناختی در آیات قرآن تنظیم گردیده است که عبارت است از فهم معنای یک مفهوم از طریق بررسی مفاهیم مربوط به آن، به طوری که جنبه‌های مهم و اختصاصی آن مفهوم و همچنین روابطش با دیگر مفاهیم آشکار شود. به این منظور نخست واژگان زیبایی و زیانمایی در قرآن شناسایی گردید. از میان واژگان مربوط به حوزه زیبایی، واژه‌های حسن، زینت، حلیه و حتی زخرف در اصل برای زیبایی‌های حقیقی وضع شده‌اند، اما در صورت استفاده غلط به زیانمایی تبدیل می‌شوند (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۷۴: ۳۲۱/۲-۳۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۸۹-۳۹۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۳۹۴/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۱/۶ و ۱۳۲/۹؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۵۵/۶-۵). بنابراین در قرآن با دو بار معنایی مثبت و منفی به کار رفته‌اند. واژه‌ای که کاملاً برای زیانمایی وضع شده عبارت است از تسویل که در قرآن هم با بار معنایی منفی به کار رفته است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۴۹؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱-۱۷۴/۲-۱۷۵).

- **واژه حسن:** حسن و مشتقات آن با کاربرد ۱۹۴ بار در قرآن کریم، به معنای زیبایی و نیکویی در مقابل زشتی یا قبح (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۷/۲) و نیز سوء و سیئه به معنای بدی قرار دارد (کلانتری، ۱۳۶۳: ۱۲۳؛ قمی، ۱۳۸۵: ۱۴۹). حُسن با بار معنایی مثبت در توصیف موضوعات مادی خارجی، موضوعات معنوی و اخلاقی استفاده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۳۲۱/۲-۳۲۳) و بیشتر ناظر بر موضوعات معنوی و اخلاقی است.

- **واژه جمال:** جمال به معنای زیبایی و حسن در مقابل زشتی و قبح به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۸۱/۱). از طرف دیگر هم در مورد زیبایی افعال و هم آفریده‌ها مطرح می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۲۶). این واژه ۸ بار در قرآن مجید با بار معنایی مثبت به کار رفته است و در بیشتر موارد درباره زیبایی‌های معنوی مورد استفاده قرار می‌گیرد (یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ احزاب / ۴۹ و...) که البته به صورت مصدری (جمال) به زیبایی مادی هم اطلاق شده است (نحل / ۶).

- **واژه زینة:** زین یک ریشه دارد و بر زیبایی و زیباسازی دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۱/۳) و مقابل آن «الشین» است. زین به معنای کارها و چیزهایی است که عیب



و نقص را از بین ببرد و «الشین» به معنای هر چیزی است که مایه رسوایی و نقص انسان و نفرت اشخاص از آن است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۰۰/۸). مجموعه مشتقات این واژه ۴۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است. زینة در بعد معنوی، به صورت فعلی استعمال شده و در یک مورد دارای بار معنایی مثبت (حجرات/ ۷) و در بقیه موارد دارای بار منفی است (بقره/ ۲۱۲) و به زیبا جلوه کردن زشتی‌ها اشاره دارد و در بعد مادی در برخی موارد دارای بار معنایی مثبت و گاهی منفی است (اعراف/ ۳۲: رک: قرشی، ۱۳۷۱: ۱۹۷-۱۹۵/۴-۳).

- واژه حلیة: ابن فارس برای حلو (از ریشه حلی) دو ریشه ذکر می‌کند: ۱. خوشایند و دلخواه نفس بودن؛ ۲. زیبا کردن و آراستن که «حلی المرأة» به معنای زیورهای زن از نمونه‌های آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۹۴/۲). این واژه ۹ بار در قرآن کریم درباره زیور آراستن بهشتیان و زیورهای دنیوی به کار رفته است. حلیة برای دلالت بر زیبایی‌های مادی استعمال شده و دارای بار مثبت است (عد/ ۱۷: نحل/ ۱۴؛ فاطر/ ۱۲ و...). اما در پاره‌ای از موارد حلیة با نظر به زیبایی‌های مادی دارای بار منفی است (اعراف/ ۱۴۸؛ زخرف/ ۱۸: رک: فانی و خرمشاهی، ۱۳۶۹: ۱۸۱؛ شریعتمداری، ۱۳۷۲: ۵۷۶-۵۷۷؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۶۹/۲-۱).

- واژه تسویل: تسویل در قرآن ۴ بار به صورت ماضی آمده است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۶۱۷/۱). تسویل (از ریشه سَوَل) آن است که نفس آنچه را خود بر آن اشتیاق دارد بیاراید و زشت را به صورت زیبا جلوه دهد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۴۹: رک: قرشی، ۱۳۷۱: ۳۵۶/۴-۳).

- واژه زخرف: زخرف در اصل به معنای طلاست و سپس به همه زینت‌ها اطلاق شده و بعداً هر چیز ظاهر فریب و کاذب به زخرف تشبیه شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۱/۶ و ۱۳۲/۹). بنابراین زخرف زینتی است خوش‌نما و زرق و برق‌دار (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۱۲). زخرف ۴ بار در قرآن آمده و تنها در یک مورد در قرآن با بار معنایی مثبت (در توصیف سرسبزی زمین) به معنای کمال زیبایی شیء (یونس/ ۲۴) آمده است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۵۵/۶-۵). در باقی موارد برای نشان دادن آن دسته از زیبایی‌های مادی که غفلت‌زا و فریبنده هستند به کار رفته است (انعام/ ۱۱۲؛ زخرف/ ۳۵؛ اسرا/ ۹۳؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۱۵۹/۴-۳).

## ۵. بررسی ارتباط اندراجی میان واژگان زیبایی و زیانمایی در قرآن

در قرآن کریم هر لفظی بر مفهومی خاصی دلالت دارد و در قرآن دو کلمه مترادف وجود ندارد (بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۲۱). بنابراین میان واژگان زیبایی در کاربردهای قرآنی آن تفاوت‌هایی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

از بررسی واژگان زیبایی با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران و با نظر به کاربرد این واژگان، نکاتی در زمینه مراتب آن‌ها نسبت به هم به دست می‌آید که در ادامه بیان می‌گردد:

واژه حُسن نسبت به واژه جمال در قرآن کریم بسیار پرکاربردتر است. جمال تنها در مورد زیبایی‌های معنوی و غیر مادی به کار رفته است اما حسن با مشتقات آن هم بر امور مادی و هم امور معنوی دلالت دارد (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۷۴: ۳۲۱/۲-۳۲۳). پس رابطه این دو واژه عموم و خصوص مطلق است؛ بدین معنا که هر جمیلی در قرآن حسن است، اما هر حسنی جمیل نمی‌باشد مگر اینکه از امور غیر محسوس باشد (مطعنی، ۱۴۱۷: ۱۰۴-۱۰۹).

زینت به معنای هر چیز مرغوبی است که به چیزی منضم شود و آن را جمال و حسنی بیخشد و به سبب این زیبایی دیگران به آن میل پیدا می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۴۳۴/۷، ۲۳۷/۱۵، ۸۹/۱۶ و ۲۸۹/۱۹). بنابراین زینت، زیبایی ثانویه را برای چیزی ایجاد می‌کند و با حسن و جمال که به زیبایی اولیه و ذاتی شیء نظر دارد، تفاوت دارد. حسن بیشتر با بار معنایی مثبت و جمال در قرآن کریم صرفاً بار معنایی مثبت به کار رفته‌اند، اما زینت در هر دو جنبه مثبت و منفی کاربرد دارد.

حلیه نیز مفهوم زینت را دارد و در قرآن کریم تنها درباره انسان و زیوری که تن او را می‌آراید آمده است. حلیه بیشتر با بار معنایی مثبت به کار رفته است اما زینت برعکس بیشتر با بار معنایی منفی به کار رفته است. کلمه حلیه در مورد زینت‌های ظاهری استفاده می‌شود و زینت نیز اشاره به زیبایی ثانویه برای چیزی دارد (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۹۷/۲).

زخرف نیز به معنای زینت است. زخرف مانند زینت بیشتر در بار معنایی منفی به کار

رفته است. اما علامه طباطبایی اشاره می‌کند که کلمه زخرف در قرآن در معنای مثبت نیز به معنای زینت آمده است (یونس / ۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۸۶: ۵۲/۱۰). از طرف دیگر زخرف نیز مانند حلیه، زینت عرضی است. باید توجه داشت که به دنبال زینت‌های عرضی بودن که از خارج به شیء عارض شوند، انسان را از تعقل و به کارگیری برهان و استدلال‌پذیری دور می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

- «زخارف الدنيا تفسد العقول الضعيفة»: آرایش‌های دروغین دنیا، عقل‌های ضعیف را فاسد می‌کند.

- «ردع النفس عن زخارف الدنيا ثمرة العقل» (واسطی، ۱۳۷۶: ۲۷۶).

با توضیحات بیان‌شده، نوعی رابطه اندراجی میان واژگان مذکور قابل شناسایی است. واژه جمال مندرج ذیل واژه حسن و نیز واژگان حلیه و زخرف ذیل واژه زینت قابل دسته‌بندی هستند.

## ۶. بررسی نحوه کاربرد واژگان ناظر به زیبایی و زیانمایی در قرآن

قبل از ورود به شبکه معنایی زیبایی و زیانمایی در قرآن کریم، لازم است واژگان ناظر به زیبایی حقیقی و زیانمایی از زوایای مختلف مورد بررسی قرار بگیرد. با دقت نظر در آیات قرآن مشخص می‌شود که زیبایی حقیقی که در برابر زیانمایی قرار دارد، خود به دو گروه تقسیم می‌گردد؛ اول زیبایی حقیقی که منتهی به خیر می‌گردد و دوم زیبایی حقیقی که منتهی به شر می‌شود که در جداول ذیل به آن پرداخته شده است:

### ۱. واژگان ناظر به زیبایی حقیقی

واژگان ناظر به زیبایی حقیقی	تعداد کاربرد قرآنی	زیبایی حقیقی که منتهی به خیر می‌شود	زیبایی حقیقی که منتهی به شر می‌شود
حسن	۱۹۲ مورد	۱۸۸ مورد	۲ مورد
﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا... تَنْفِرْ لَكُمْ خُطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره / ۵۸)		﴿قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا﴾ (مریم / ۷۳)	

		دیگر آیات: آل عمران / ۱۴؛ نساء / ۴۰؛ مائده / ۱۲ و ... ﴿كُرِّهُمُ لَكُمْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ﴾ (مریم / ۷۴)
زینت	۲۵ مورد	۱۸ مورد ﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ﴾ (حجر / ۱۶) دیگر آیات: اعراف / ۳۱-۳۲؛ یونس / ۲۴؛ بقره / ۲۱۲ حجر / ۱۶؛ نحل / ۸؛ کهف / ۷ و ۴۶؛ دیگر آیات: یونس / ۸۸؛ هود / ۱۵؛ طه / ۵۹ و ۸۷؛ نور / ۳۱ و ۶۰؛ قصص / ۶۰؛ صافات / ۶؛ فصلت / ۱۲؛ حجرات / ۲۰؛ قلم / ۶؛ ملک / ۵
جمال	۸ مورد	﴿فَأَضْرَبْنَا آجِيالًا﴾ (معارض / ۵) دیگر آیات: یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ حجر / ۸۵؛ نحل / ۶؛ احزاب / ۲۸ و ۴۹؛ مزمل / ۱۰
حلیه	۹ مورد	۷ مورد ﴿تَسْحَرْنَ بِأَمْنِهِ حَلِيَةً تَلْسُوْنَهَا...﴾ (نحل / ۱۴) دیگر آیات: رعد / ۱۷؛ کهف / ۳۱؛ حج / ۲۳؛ فاطر / ۱۲ و ۳۳؛ انسان / ۲۱
زخرف	۴ مورد	۱ مورد ﴿إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُهَا وَأَزَيْتَتْ...﴾ (یونس / ۲۴) ﴿وَزُخْرًا وَإِنْ كُلُّ لَأْمَتَاخِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُنْتَقِينَ﴾ (زخرف / ۳۵) دیگر آیات: اسراء / ۹۳؛ انعام / ۱۱۲

واژگان ناظر به زیانمایی در قرآن را نیز از همین منظر در جدول زیر بررسی می‌کنیم:

## ۲. واژگان ناظر به زیانمایی

واژگان ناظر به زیانمایی	تعداد کاربرد قرآنی	زیانمایی در هر صورت منتهی به شر خواهد شد
حسن	۲ مورد	﴿الَّذِينَ صَلَّ سَعِيمُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِنُونَ﴾ (کهف / ۱۰۴)

۱. استدلال کفار برای صحت روش خود و اثبات سعادتشان به اینکه مال و منالشان بیشتر و مقام و مجلسشان بهتر از مؤمنان است و جواب خداوند به این پندار باطل که چه بسیار مثل شما صاحبان عیش را ما هلاک کردیم (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۴/۱۳۵). پس این زیبایی‌ها هرچند حقیقت دارد اما منتهی به خیر نمی‌شود.

		﴿أَقْمَرُ زَيْنٌ لَهُ سَوْءٌ عَمَلِهِ فَرَّ آخَسْنَا﴾ (فاطر / ۸)
زینت	۱۸ مورد	﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام / ۴۳) دیگر آیات: انعام / ۱۰۸، ۱۲۲ و ۱۳۷؛ انفال / ۴۸؛ توبه / ۳۷؛ یونس / ۱۲؛ رعد / ۳۳؛ حجر / ۳۹؛ نحل / ۶۳؛ نمل / ۴ و ۲۴؛ عنکبوت / ۳۸؛ فاطر / ۸؛ غافر / ۳۷؛ فتح / ۱۲؛ فصلت / ۲۵؛ محمد / ۱۴
تسویل	۴ مورد	﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ﴾ (محمد / ۲۵) دیگر آیات: یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ طه / ۹۶

از منظر واجد، فاعل و منفعل در برابر زیبایی نیز می‌توان واژگان ناظر به زیبایی و زیانمایی را مورد بررسی قرار داد. توضیح مطلب اینکه خداوند به عنوان واجد (دارنده زیبایی) و نیز فاعل زیبایی، زیبایی‌ها (دنیوی و اخروی) را برای انسان خلق کرده است که او به دو نحو می‌تواند با این زیبایی‌ها برخورد نماید:

اول اینکه قصد دارد که زیبایی را کشف کند؛ به این معنا که فاعلیت دارد یعنی و از پویایی و تحرک در این زمینه برخوردار است.

دوم اینکه انسان در موقعیت انفعالی نسبت به زیبایی قرار بگیرد؛ به این معنا که به نحو اتفاقی و بدون برنامه با زیبایی مواجه شود. این انفعال ابتدایی نسبت به زیبایی می‌تواند مقدمه فعالیت و جستجوی زیبایی، تحرک و تعالی باشد یا اینکه همچنان در موقعیت انفعال بر فرد مستولی بماند و تحرکی برای کشف و درک زیبایی از خود نشان ندهد.

واژگان ناظر به زیبایی حقیقی در قرآن را از نظر دلالت بر واجد و فاعل زیبایی و انفعال در برابر زیبایی می‌توان در جدول زیر چنین ارائه کرد:

۱. با توجه به آیه ۸ سوره فاطر می‌توان منظور آیه «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ (کهف / ۱۰۴) را نیز درک کرد. بنابراین کسانی که سعیشان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند مصداق کسانی هستند که اعمال زشتشان برایشان زینت داده شده است و به باطل آن‌ها را اعمال حسنه می‌پندارند. وضعیت کسانی که اقدام به ساختن مسجد ضرار هم کردند دقیقاً نظیر همین افراد است: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا لِئِنْ حَارَبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ قَبْلٍ وَلْيَغْلِبَنَّ إِذَا رُذِّبُوا إِلَّا الْإِخْسَانُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (توبه / ۱۰۷).

۱. واژگان ناظر به زیبایی حقیقی که منتهی به خیر می شوند

انسان		خداوند به عنوان واجد یا فاعل زیبایی	واژگان ناظر به زیبایی حقیقی
منفعل در برابر زیبایی	فاعل زیبایی		
<p>اشاره به برخی موارد: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (تین / ۴)</p> <p>﴿لَا يَجِدُ لَكَ الْإِنْسَاءَ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حَسَنُهنَّ﴾ (احزاب / ۵۲)</p> <p>﴿تَحْنُ نَقْصُ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ (یوسف / ۳)</p> <p>﴿تَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا﴾ (آل عمران / ۳۷)</p> <p>﴿مُنْتَكِبِينَ عَلَى رُفُوفٍ خُضِرَ وَعَبَقَرِيُّ﴾ (رحمن / ۷۶)</p>	<p>اشاره به برخی موارد: ﴿إِنَّا نُرَاكَ مِنَ الْحَسَنِينَ﴾ (یوسف / ۳۶)</p> <p>﴿يَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ﴾ (رعد / ۲۲)</p> <p>﴿لَلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا﴾ (نحل / ۳۰)</p> <p>اسماء / ۷، ۲۳، ۳۴ و ۵۳؛</p> <p>کهف / ۷ و ...</p>	<p>اشاره به برخی موارد (واجد زیبایی): ﴿اللَّهُ عِنْدَ حُسْنِ الْمَاءِ﴾ (آل عمران / ۱۴)</p> <p>﴿مَا أَصَابَكُ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (نساء / ۷۹)</p> <p>﴿كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى﴾ (نساء / ۹۵)</p> <p>﴿مَنْ أَحْسَنَ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا﴾ (مائده / ۵۰)</p> <p>دیگر آیات: اعراف / ۹۵ و ۱۸۰؛ انفال / ۱۷؛ توبه / ۱۲۱؛ یونس / ۲۶؛ هود / ۸۸ و ...</p>	<p>حسن</p>
<p>تمامی موارد ذکر شده در خانه «خداوند به عنوان فاعل زیبایی» به نوعی ناظر به منفعل بودن و تأثیر پذیر بودن انسان‌ها از این زیبایی‌های خدادادی است که خداوند در آیات آفاقی و انفسی خود برای بشر قرار داده است. انسان‌ها بدون برنامه‌ریزی قبلی با این زیبایی‌های موجود مواجه شده‌اند و حال در ادامه برای برخورد با این زیبایی‌ها باید مختارانه تصمیم بگیرند.</p>	<p>﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي... عَجِبْنَ مُنْتَرِبَاتٍ بَيْنَهُ﴾ (نور / ۶۰)</p> <p>﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف / ۳۱)</p> <p>دیگر آیات: طه / ۵۹ و ۸۷؛ حجرات / ۷؛ نور / ۳۱</p>	<p>خداوند به عنوان فاعل زیبایی: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ﴾ (اعراف / ۳۲)</p> <p>﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (كهف / ۷)</p> <p>دیگر آیات: كهف / ۴۶؛ نحل / ۸؛ حجر / ۱۶؛ ملک / ۵؛ ق / ۶؛ فصلت / ۱۲؛ صافات / ۶؛ قصص / ۶۰؛ یونس / ۲۴؛ آل عمران / ۱۴</p>	<p>زینت</p>
<p>آیه ۶ سوره نحل هم ناظر به</p>	<p>﴿... فَاصْفَحْ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ﴾ (حجر / ۱۷)</p>	<p>خداوند به عنوان فاعل زیبایی:</p>	<p>جمال</p>

۱. حضرت مریم علیها السلام در ابتدای امر از آغاز خلقتش با این زیبایی (پذیرش زیبای الهی و رشد دادن نیکوی او) منفعل گردید.

زیبایی است که خداوند در به چرا بردن و از چرا آوردن چهارپایان نهاده است و از طرفی ناظر بر این امر است که این زیبایی بدون اینکه انسان خودش برایش برنامه‌ای تدارک دیده باشد، برای او قرار داده و انسان از آن تأثیر می‌گیرد.	﴿وَأَلَّكُمْ فِيهَا جَمَالَ حَيِّنٌ تُرْمِحُونَ وَحِينٌ شَرَحُونَ﴾ (نحل / ۶)  دیگر آیات: یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ احزاب / ۲۸؛ زمزل / ۱۰؛ معارج / ۴۹؛ احزاب / ۵	
-	-	خداوند به عنوان فاعل زیبایی: ﴿خُلُوهَا سَاوِرِينَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَامُ رَبِّهِمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾ (انسان / ۲۱) دیگر آیات: فاطر / ۱۲ و ۳۳؛ حج / ۲۳؛ کهف / ۳۱؛ نحل / ۱۴؛ رعد / ۱۷
-	-	زخرف / یونس / ۲۴

## ۲. واژگان ناظر به زیبایی حقیقی که منتهی به شر می‌شوند

انسان		خداوند به عنوان فاعل زیبایی	واژگان ناظر به زیبایی حقیقی
منفعل در برابر زیبایی	فاعل زیبایی		
-	مریم / ۷۳ و ۷۴	-	حسن
﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ (بقره / ۲۱۲) دیگر آیات: یونس / ۸۸؛ هود / ۱۵؛ کهف / ۲۸؛ قصص / ۷۹؛ احزاب / ۲۸؛ حدید / ۲۰	-	-	زینت
-	-	﴿أَوْ مَنْ يَتَّبِعُوا فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرَ مُبِينٍ﴾ (زخرف / ۱۸) دیگر آیات: اعراف / ۱۴۸	حلیه
﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَأَلَوُشَاءَ رِثِكَ مَا فَعَلُوا فَمَا نَزَّلْنَاهُمْ وَمَا يَقْتَرُونَ﴾ (انعام / ۱۱۲)	-	﴿وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى﴾ (زخرف / ۳۵) دیگر آیات: اسراء / ۹۳	زخرف

واژگان ناظر به زیانمایی در قرآن را نیز از همین منظر در جدول ذیل مورد بررسی

قرار می‌دهیم:

### ۳. واژگان ناظر به زیانمایی

انسان		خداوند به عنوان واجد	واژگان ناظر به زیبایی حقیقی
منفعل در برابر زیانمایی	فاعل زیانمایی	یا فاعل زیانمایی	
-	کَهْفُ / ۱۰۴؛ فَاطِرُ / ۸	-	حسن
﴿أَفَمَنْ زُجِرَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَأَاهُ حَسَنًا﴾ (فاطر / ۸) دیگر آیات: انعام / ۴۳، ۱۰۸، ۱۲۲ و ۱۳۷؛ انفال / ۴۸؛ توبه / ۳۷؛ یونس / ۱۲؛ رعد / ۳۳؛ حجر / ۳۹؛ نحل / ۶۳؛ نمل / ۴ و ۲۴؛ عنکبوت / ۳۸؛ غافر / ۳۷؛ فصلت / ۲۵؛ محمد / ۱۴؛ فتح / ۱۲	-	-	زینت
-	﴿كَذَلِكَ سَأَلْتَنِي نَفْسِي﴾ (طه / ۹۶) دیگر آیات: یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ محمد / ۲۵	-	تسویل

در دسته‌بندی دیگری می‌توان واژگان ناظر به زیبایی حقیقی و زیانمایی را از نظر دلالت بر زیبایی حسی و زیبایی ارزشی یا اخلاقی مورد بررسی قرار داد:

#### ۱. واژگان ناظر به زیبایی حقیقی که منتهی به خیر می‌شوند

ظهور در امور معنوی و اخلاقی	ظهور در امور مادی و حسی	تعداد کاربرد قرآنی	واژگان ناظر به زیبایی حقیقی
۱۷۴ مورد	۱۸ مورد ﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل / ۶۷) و﴿مَنْ لَّهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره / ۱۳۸) دیگر آیات: رعد / ۲۹؛ عنکبوت / ۷؛ طلاق / ۱۱ و ...	۱۹۲ مورد	حسن
-	﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَرَبَّاتَهَا اللَّائِيظِينَ﴾ (حجر / ۱۶) دیگر آیات: آل عمران / ۱۴؛ اعراف / ۳۱ و ۳۲؛ یونس / ۲۴؛ نحل / ۸؛ کَهْفُ / ۷ و ۴۶؛ طه / ۵۹ و ۸۷؛ نور / ۳۱ و ۶۰؛	۱۳ مورد	زینت



	قصص / ۶۰؛ صفات / ۶؛ فصلت / ۱۲؛ حجرات / ۷؛ ق / ۶؛ ملک / ۵		
جمال	۸ مورد	﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْجَوْنَ وَحِينَ تُسْرَخُونَ﴾ ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَلَا تُجْرِمُوا فَرَجًا تَجِيلاً﴾ (مزمّل / ۱۰) دیگر آیات: یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ حجر / ۸۵؛ احزاب / ۲۸ و ۴۹؛ معارج / ۵	
حلیه	۷ مورد	﴿سَتَجِدُنَّ حُلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا...﴾ (نحل / ۱۴) دیگر آیات: رعد / ۱۷؛ کهف / ۳۱؛ حج / ۲۳؛ فاطر / ۱۲ و ۳۳؛ انسان / ۲۱	-
زخرف	۱ مورد	﴿حَسْبِيَ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ...﴾ (یونس / ۲۴)	-

## ۲. واژگان ناظر به زیبایی حقیقی که منتهی به شر می شوند

واژگان ناظر به زیبایی حقیقی	تعداد کاربرد قرآنی	ظهور در امور مادی و حسی	ظهور در امور معنوی و اخلاقی
حسن	۲ مورد	مریم / ۷۳ و ۷۴	-
زینت	۷ مورد	﴿مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّا لَهَا لُؤْلُؤًا مِثْلَ خَبْثٍ لَنَرَّهُمْ فِيهَا وَالْخَبْثُ الْبُذْرُ﴾ (هود / ۱۵) دیگر آیات: بقره / ۲۱۲؛ یونس / ۸۸؛ کهف / ۲۸؛ قصص / ۷۹؛ احزاب / ۲۸؛ حدید / ۲۰	-
حلیه	۲ مورد	﴿أَوْ مَنْ يَتَّبِعُ فِي الْحَيَاةِ وَهُوَ فِي الْحُصَامِ غَيْرِ مُبِينٍ﴾ (زخرف / ۱۸) دیگر آیات: اعراف / ۱۴۸	-
زخرف	۳ مورد	اسراء / ۹۳؛ زخرف / ۳۵؛	انعام / ۱۱۲

واژگان ناظر به زیانمایی در قرآن را نیز از همین منظر در جدول زیر بررسی می کنیم:

## ۳. واژگان ناظر به زیانمایی

واژگان ناظر به زیانمایی	تعداد کاربرد قرآنی	ظهور در امور مادی و حسی	ظهور در امور معنوی (غیر مادی) و اخلاقی
حسن	۲ مورد	کهف / ۱۰۴؛ فاطر / ۸	
زینت	۱۸ مورد	-	﴿قُلْ لَا إِجْرَاءَ لَهُمْ بِأَسْئَاتِهِمْ لَوْ عَافَىٰ اللَّهُ عَمَلَهُمْ لَافْتِنًا﴾ (انعام / ۴۳)

دیگر آیات: انعام / ۱۰۸ و ۱۳۷؛ رعد / ۳۳؛ نمل / ۲۴			
﴿كَذَلِكَ سَوَّلْتِ لِىَ نَفْسِى﴾ (طه / ۹۶) دیگر آیات: یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ محمد / ۲۵	-	۴ مورد	تسویل

## ۷. شبکه معنایی زیبایی و زیانمایی در قرآن کریم

در این مرحله مفاهیم ناظر به واژگان زیبایی و زیانمایی در قرآن کریم در قالب دو دسته مورد بررسی قرار می‌گیرند که عبارتند از:

### الف) مفاهیم با رابطه ایجابی

دسته اول خود شامل سه زیرمجموعه است که عبارتند از: ۱. رابطه مترادف،<sup>۲</sup> ۲. رابطه علی (عوامل و نتایج) و ۳. رابطه تقارنی ایجابی (تمامی مفاهیمی را شامل می‌شود که جزء مصادیق و عوامل و نتایج نبوده‌اند، اما در بررسی آیات، به نوعی در رابطه مثبت با مفاهیم واژگان زیبایی یا زیانمایی قرار داشته‌اند).

### ب) مفاهیم با رابطه سلبی

دسته دوم شامل دو زیرمجموعه است که عبارتند از: ۱. رابطه تضاد،<sup>۳</sup> ۲. رابطه تقارنی سلبی (مفاهیمی که رابطه تضاد با واژگان مورد نظر نداشتند اما در بررسی آیات در رابطه منفی با واژگان زیبایی یا زیانمایی قرار می‌گرفتند). در نهایت مفاهیم در قالب روابط مترادف، تضاد، علی (شامل علل و معلول‌ها)، تقارنی (ایجابی و سلبی) تنظیم گردید. با توجه به کاربردهای قرآنی واژگان، اگر واژه‌ای بیشتر بر زیبایی حقیقی منتهی به

۱. به نظر می‌رسد تعبیرات با این مضمون که اعمال زشت کافران برایشان زینت داده شده است، یا به وسیله شیطان یا توسط نفسمشان (انعام / ۱۲۲؛ انفال / ۴۸؛ توبه / ۳۷؛ نحل / ۶۳؛ نمل / ۴؛ عنکبوت / ۳۸؛ فاطر / ۸؛ غافر / ۳۷؛ فصلت / ۲۵؛ محمد / ۱۴؛ فتح / ۱۲) ناظر به امور معنوی‌اند. آیه ۱۲ یونس در بحث اسراف کاری و نیز زینت دادن گناه و بدی‌ها در زمین توسط شیطان (حجر / ۳۹) ناظر به امور معنوی و غیر مادی هستند.  
۲. بررسی مترادف کلمات و عبارات، شیوه‌ای در تفسیر مفهومی است که به بررسی کلمات یا عباراتی که با هم مترادفند و مضمون مشابهی دارند، می‌پردازد (باقری، ۱۳۸۹: ۱۷۵).  
۳. یکی دیگر از شیوه‌های تحلیل تفسیری، کمک گرفتن از مفهوم متضاد است. از آنجا که مفاهیم متضاد با هم قابل جمع نیستند، وجود برخی ویژگی‌ها در یکی از آنها، حاکی از فقدان آنها در مفهوم دیگر است (همان: ۱۷۶).

خیر دلالت داشته باشد، مفاهیم ناظر به زیبایی حقیقی منتهی به شر و زیانمایی این واژه به زیبایی حقیقی منتهی به خیر تبدیل گردیده است. برای مثال مفهوم زیورآلات (با معنای منفی) که از آیه ۱۸ سوره زخرف (رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۴۵۰/۱۵) استنباط شده، در رابطه مترادف ناظر به واژه زیانمایی حلیه قرار دارد که تبدیل به رابطه تضاد ناظر به زیبایی حقیقی (منتهی به خیر) همین واژه می‌گردد.

از طرف دیگر اگر واژه‌ای با توجه به کاربردهای قرآنی آن، بیشتر بر زیانمایی دلالت دارد، روابط زیبایی حقیقی منتهی به خیر آن برای سهولت بررسی به روابط زیانمایی تبدیل شده است. به عنوان مثال مفاهیم تفکر (یونس/ ۲۴)، تذکر و تعقل (نحل/ ۱۸-۵) در رابطه تقارنی ایجابی ناظر به زیبایی حقیقی منتهی به خیر (واژه زینت) قرار دارد که تبدیل به رابطه تقارنی سلبی ناظر به زیانمایی این واژه می‌گردد.

برای یافتن مفاهیم کلیدی در وهله اول، مفاهیم مشترک روابط ایجابی با هم و نیز مفاهیم مشترک روابط سلبی با هم (در مورد دو دسته از واژگان مربوط به زیبایی حقیقی (منتهی به خیر و شر) و نیز زیانمایی به طور جداگانه) مورد شناسایی واقع شده و در مرحله بعد مفاهیم مشترک روابط ایجابی و نیز مفاهیم مشترک روابط سلبی همه واژگان در یک نگاه کلی شناسایی گردید و در نهایت، مفاهیم کلیدی از میان بیشترین میزان فراوانی مفاهیم مشترک انتخاب شد.<sup>۱</sup> در هر کدام از این روابط (ترادف، تضاد، علی، تقارنی (ایجابی یا سلبی) مرتبط با هر کدام از واژگان ناظر به زیبایی حقیقی یا زیانمایی، مفاهیم زیادی احصا شد که همگی رابطه اشراقی با یکدیگر دارند.

در جداول ذیل به علت زیادی مفاهیم مرتبط با هر کدام از روابط، تنها به ذکر دو نمونه مفهوم (دال بر امور حسی - مادی و نیز دال بر امور معنوی - اخلاقی) که از میان سایر مفاهیم بیشترین میزان فراوانی را داشتند، بسنده شده و در مورد نمونه مفاهیم هم در هر رابطه، صرفاً به ذکر یک نمونه آیه بسنده شده است:

۱. لازم به ذکر است که واژگان زخرف و تسویل اصلاً مفاهیم مشترک بین روابط ایجابی یا سلبی نداشتند. از آنجا که واژگان حسن و زینت در اصل برای زیبایی حقیقی منتهی به خیر وضع شده‌اند (با توجه به میزان کاربرد واژگان در این زمینه)، در نهایت تمامی روابط واژگان زیبایی حقیقی منتهی به شر و نیز زیانمایی، تبدیل به روابط واژگان زیبایی حقیقی منتهی به خیر گردید.

روابط مفاهیم مرتبط با واژگان ناظر به زیبایی حقیقی که منتهی به خیر می‌شوند		واژگان ناظر به زیبایی حقیقی	
رابطه تقارنی		رابطه تضاد	رابطه ترادف
سلبی	ایجابی	رابطه علی (علت و معلول)	
کفر <sup>۱۱</sup> ظلم <sup>۱۲</sup>	ایمان <sup>۹</sup> آیات آفاقی <sup>۱۰</sup>	ایمان <sup>۵</sup> و عمل صالح <sup>۶</sup> به عنوان علت دریافت و رسیدن به حسن پاداش الهی <sup>۷</sup> و بهره‌مندی از حسنه در دنیا <sup>۸</sup> به عنوان نتایج احسان	عذاب الهی و شرّ مآب، جهنّم با عذاب‌های آن <sup>۳</sup> سیئه <sup>۴</sup>
کفر <sup>۲۰</sup> اسراف <sup>۲۱</sup>	محفوظ نگه داشتن آسمان از شر شیاطین رانده‌شده و نافرمان <sup>۱۸</sup> آیات آفاقی <sup>۱۹</sup>	راندن شیاطین <sup>۱۶</sup> قرار گرفتن در آزمایش‌های الهی <sup>۱۷</sup>	ایمان <sup>۱۳</sup> ستارگان <sup>۱۴</sup>

۱. «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُمْ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» (صافات / ۸۰-۸۱).
۲. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نَنْصِفُ عَنْهُمْ مِنْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف / ۳۰).
۳. «فَإِنْ تَطِيعُوا أَمْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (فتح / ۱۶).
۴. «الْأَمِنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان / ۷۰).
۵. «فَمَا لِيُبَدِّلَ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ مِنْ لَدُنْهِ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا» (کهف / ۲).
۶. «الْأَمِنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان / ۷۰).
۷. «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره / ۱۱۲).
۸. «وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ قَالَ آيَاتِنَا تُبَيِّنُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلِذَلِكَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ» (نحل / ۳۰).
۹. «وَإِذَا تَلَّوْا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا تَبَيَّنَتْ قَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدَبًا» (مریم / ۷۳).
۱۰. «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَمْدِ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (تغابن / ۳).
۱۱. «أَوْ تَقُولُ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةٌ فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ \* بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (زمر / ۵۸-۵۹).
۱۲. «... قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنُ مَنَئِي إِنَّهُ لَا يَفْجُرُ الْطَّالُونَ» (يوسف / ۲۳).
۱۳. «لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَزَقْتَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات / ۷).
۱۴. «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوْكَبِ» (صافات / ۶).
۱۵. «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَزَقْتَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَتْ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِضْيَانَ...» (حجرات / ۷).
۱۶. «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَا هَازِجُومًا لِلشَّيَاطِينِ» (ملك / ۵).
۱۷. «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيُتَبَوَّهُوا مِنْهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف / ۷).
۱۸. «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوْكَبِ \* وَحَفَظْنَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ» (صافات / ۶-۷).
۱۹. «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَا هَازِجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ الشَّعِيرِ» (ملك / ۵).
۲۰. «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَرَزَقْتَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَتْ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِضْيَانَ...» (حجرات / ۷).
۲۱. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف / ۳۱). اسراف می‌تواند جنبه مادی و معنوی را توأمان داشته باشد.

جمال	-	-	به چرا بردن و آوردن چار پايان <sup>۱</sup> (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۱۱/۱۲)	-
زخرف	آیات آفاقی <sup>۲</sup>	-	-	تفکر در آیات آفاقی <sup>۳</sup>
حلیه	-	-	ایمان و عمل صالح <sup>۴</sup>	بهشت بانعمت هایش <sup>۵</sup> آیات آفاقی و انفسی <sup>۶</sup>

روابط مفاهیم مرتبط با واژگان ناظر به زیبایی حقیقی که منتهی به شرمی شوند					
واژگان ناظر به زیبایی حقیقی	رابطه مترادف	رابطه تضاد	رابطه علی	رابطه تقارنی	
				ایجابی	سلبی
حسن	خیر <sup>۷</sup>	-	-	-	-
زینت	زندگی دنیوی <sup>۸</sup>	-	کفر؛ <sup>۹</sup> از بین رفتن و باطل شدن اعمال دنیوی شان و گرفتاری در آتش دوزخ <sup>۱۰</sup> ریشخند مؤمنان <sup>۱۱</sup>	دریافت عذاب الهی <sup>۱۲</sup> بهره گیری از کالا و لذت های زودگذر دنیوی <sup>۱۳</sup>	ایمان <sup>۱۴</sup> عمل صالح <sup>۱۵</sup>
حلیه	-	-	-	عدم دریافت هدایت و ظلم <sup>۱۶</sup>	-

۱. «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْمَعُونَ وَحِينَ يُسْرَخُونَ» (نحل / ۶).
۲. «...حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ...» (یونس / ۲۴).
۳. «...حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ...» (یونس / ۲۴).
۴. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا \* أُولَٰئِكَ هُم جَنَّاتُ عَدْنِ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ...» (كهف / ۳۱-۳۲).
۵. «جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجَلِّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِيَسْنَهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ» (فاطر / ۳۳).
۶. «...وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا حَلِيَّةً تُنْبَسُونَ بِهَا...» (نحل / ۱۴).
۷. «قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا» (مریم / ۷۳).
۸. «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...» (بقره / ۲۱۲).
۹. «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...» (بقره / ۲۱۲).
۱۰. «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهَا مِنْ أَعْمَالِهِمْ فِيهَا يُفْسِدُونَ» (هود / ۱۵-۱۶).
۱۱. «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا...» (بقره / ۲۱۲).
۱۲. «وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُنَّ عَنْ سَبِيلِكَ» (يونس / ۸۸).
۱۳. «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (قصص / ۶۰).
۱۴. «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا...» (بقره / ۲۱۲).
۱۵. «فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ \* وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ تَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (قصص / ۷۹-۸۰).
۱۶. «...أَمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ» (اعراف / ۱۴۸).

زخرف	متاع زندگی دنیا <sup>۱</sup>	-	دشمنان پیامبر از شیاطین انس و جن <sup>۲</sup> (به عنوان علت ایجاد زخرف القول) فریب دادن و گرایش و پسندیدن دل‌های کافران به سخن باطل <sup>۳</sup> (به عنوان نتیجه زخرف القول)	دل گرداندن از یاد خداوند و قرین شیطان شدن <sup>۴</sup>	تقوا <sup>۵</sup>
------	------------------------------------	---	--	---	-------------------

روابط مفاهیم مرتبط با واژگان ناظر به زیبانهایی					واژگان
رابطه تقارنی		رابطه علی	رابطه تضاد	رابطه مترادف	ناظر به
سلبی	ایجابی				زیبایی حقیقی
تباه شدن تلاش و کوشش دنیوی <sup>۷</sup> زینت دادن زشتی <sup>۸</sup>	-	-	سوء (بدی) <sup>۶</sup>	-	حسن
ایمان <sup>۱۶</sup> عمل صالح <sup>۱۷</sup>	دریافت عذاب الهی <sup>۱۴</sup> بهره‌گیری از (کالا و لذات زودگذر) دنیوی <sup>۱۵</sup>	کفر <sup>۱۱</sup> و شرک <sup>۱۲</sup> انحراف از راه خدا و گمراهی <sup>۱۳</sup>	-	مکر کافران <sup>۹</sup> اعمال زشت <sup>۱۰</sup>	زینت

۱. «وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» (زخرف / ۳۵).
۲. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» (انعام / ۱۱۲).
۳. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» (انعام / ۱۱۲).
۴. «وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ \* وَمَنْ يَتَّبِعْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» (زخرف / ۳۵-۳۶).
۵. «وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ» (زخرف / ۳۵).
۶. «أَقْمَرٌ زَيْنٌ لَهُ سُوءٌ عَمَلُهُ فَرَأَاهُ حَسَنًا» (فاطر / ۸).
۷. «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِنُونَ أَنْهَمُ يُحْسِنُونَ ضُنْعًا» (كهف / ۱۰۴).
۸. فاطر / ۸.
۹. «بَلْ زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَضُدُّوْا عَنِ السَّبِيلِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (رعد / ۳۳).
۱۰. «أَقْمَرٌ كَلَنْ عَلَى بَيْتِهِمْ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنٌ لَهُ سُوءٌ عَمَلُهُ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» (محمد / ۱۴).
۱۱. «كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام / ۱۲۲).
۱۲. «وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِّكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائِهِمْ...» (انعام / ۱۳۷).
۱۳. «زَيْنٌ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَضَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ» (عنكبوت / ۳۸).
۱۴. «وَمَنْ لَّمْ يُؤْمَرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَأِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا» (فتح / ۱۳).
۱۵. «وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِّفِرْعَوْنَ سُوءٌ عَمَلُهُ وَضَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ \*... يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِيَ إِهْوَاءُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر / ۳۷-۳۹).
۱۶. «... وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ \* أَقْمَرٌ زَيْنٌ لَهُ سُوءٌ عَمَلُهُ فَرَأَاهُ حَسَنًا...» (فاطر / ۷-۸).
۱۷. «... وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ \* أَقْمَرٌ زَيْنٌ لَهُ سُوءٌ عَمَلُهُ فَرَأَاهُ حَسَنًا...» (فاطر / ۷-۸).

تسویل	پشت کردن به حقیقت پس از روشن شدن راه هدایت <sup>۱</sup>	-	نفس <sup>۲</sup> (به عنوان علت تسویل) دریافت عذاب الهی <sup>۳</sup> (به عنوان معلول تسویل)	ناشنوایی گوش دل و ناینبایی چشمها، دل های قفل شده (بی بصیرتی) <sup>۴</sup> فساد در زمین <sup>۵</sup>	صبر جمیل <sup>۶</sup>
-------	---	---	--	--	-----------------------

در مورد مفاهیم مشترک روابط ایجابی واژگان نیز می توان چنین دسته بندی ارائه داد:

### ۱. مفاهیم مشترک روابط ایجابی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی منتهی به خیر

واژگان	ظهور بیشتر در امور حسی و مادی	ظهور بیشتر در امور معنوی و اخلاقی
حسن	عمل صالح (بخش مشترک رابطه ترادف، رابطه علی و رابطه تقارنی ایجابی)	ایمان (بخش مشترک رابطه ترادف، رابطه علی و رابطه تقارنی ایجابی)
حلیة	آیات آفاقی (بخش مشترک رابطه ترادف و رابطه تقارنی ایجابی)	-
جمال	-	صبر (بخش مشترک رابطه ترادف و رابطه تقارنی ایجابی)
زینت	متاع زندگی این جهانی (عشق به امیال نفسانی، زنان و فرزندان، ثروت، طلا، نقره، اسبان داغ پرنهاده، چارپایان، زراعت) (بخش مشترک رابطه ترادف و رابطه تقارنی ایجابی)	کفر (بخش مشترک رابطه علی و رابطه تقارنی ایجابی)

در مورد مفاهیم مشترک روابط سلبی واژگان نیز می توان چنین دسته بندی ارائه داد:

### ۲. مفاهیم مشترک روابط سلبی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی منتهی به خیر (همگی مربوط به بخش مشترک رابطه تضاد و رابطه تقارنی سلبی)

واژگان	ظهور بیشتر در امور حسی و مادی	ظهور بیشتر در امور معنوی و اخلاقی
حسن	سیئه	عذاب اخروی الهی، جهنم با همه عذاب های آن
زینت	آیات آفاقی (نظیر اسبها، ستارگان و مظاهر طبیعت)	ایمان

۱. «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ» (محمد / ۲۵).

۲. «سَوَّلْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ» (یوسف / ۸۳).

۳. «وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي \* قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ» (طه / ۹۶-۹۷).

۴. «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ \* أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالًا \* إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ» (محمد / ۲۳-۲۵).

۵. «...إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ» (محمد / ۲۵).

۶. «قَالَ بَلْ سَوَّلْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْزَأَصْبِرُ جَمِيلٌ» (یوسف / ۸۳).

## ۱-۷. استنباط مفاهیم کلیدی مرتبط با زیبایی و زیانمایی در قرآن کریم

### بر اساس شبکه معنایی

برخی مفاهیم با اینکه علت، معلول و یا متقارن با زیبایی (یا زیانمایی) هستند اما خودشان هم جزء مصادیق زیبایی (یا زیانمایی) به شمار می‌آیند. بنابراین زیبایی (یا زیانمایی) خودش مولد زیبایی (یا زیانمایی) دیگری است. برای مثال عمل صالح و یا ایمان هم خود جزء علل ایجاد زیبایی هستند و از طرف دیگر خودشان مهم‌ترین مصادیق زیبایی و مفاهیم متقارن با آن محسوب می‌شوند و در مقابل این زیبایی‌ها، اعمال زشت با اینکه خود جزء مهم‌ترین مصادیق زیانمایی هستند، از طرف دیگر مفهوم متقارن با آن به حساب می‌آیند و نیز کفر هم خود جزء علل ایجاد زیانمایی است و هم مهم‌ترین مصداق زیانمایی و از مفاهیم متقارن با آن می‌باشد.

توضیح بیشتر اینکه زیبایی همچون ایمان، مولد زیبایی‌های دیگری نظیر تقوا، صبر، انفاق، استغفار و... است. در مقابل آن زیانمایی همچون کفر، مولد زیانمایی‌های دیگر نظیر به ضلالت رفتن، ظلم، جهل و... است.

فضل یا غفران الهی از مفاهیمی است که هم خود به عنوان مصادیق زیبایی شمرده شده است و هم متقارن، عامل، معلول زیبایی‌های دیگر است. توجه به زیبایی‌های آیات آفاقی نظیر گیاهان و باغ و انعام (که به عنوان علل ایجاد زیبایی در قرآن از آن‌ها یاد شده)، می‌تواند به عنوان مثال، ایمان به خداوند را در ما تقویت کند که خود آن هم می‌تواند منجر به بروز عمل صالح گردد. از طرف دیگر عذاب اخروی الهی هم خود معلول زیانمایی‌هاست و از مفاهیم متقارن با زیانمایی‌ها هم هست.

از آنجا که طبق منطق قرآنی زیبایی مولد زیبایی دیگر است، انجام عمل صالح نیز به عنوان علت ایجاد زیبایی، به رشد ایمان در فرد کمک می‌رساند و در مقابل آن انجام اعمال زشت نیز به عنوان علت ایجاد زیانمایی، به افزایش کفر می‌انجامد.

در انتها این نتیجه حاصل می‌شود که در قرآن کریم مفاهیم زیبایی (و زیانمایی) به شدت در هم تنیده هستند و هیچ یک قابل تفکیک از دیگری نیستند. در واقع مصداق زیبایی (و زیانمایی)، در عین حال می‌تواند خود مولد (علت)، معلول و یا



مقارن با زیبایی‌های دیگر (و زیانمایی) نیز باشد. به عبارت دیگر زیبایی (و زیانمایی) در حلقه‌های متوالی مدام رشد و توسعه پیدا می‌کند و مرتبه به مرتبه افزون‌تر می‌شود. بنابراین این مفاهیم مولد (زیبایی یا زیانمایی)، به عنوان مفاهیم کلیدی برگزیده شدند. البته در اینجا به علت رعایت اختصار، تنها به دو مفهوم مقابل ایمان و کفر پرداخته می‌شود که به عنوان پرکاربردترین مفاهیم مشترک روابط ایجابی یا سلبی واژگان زیبایی و زیانمایی در این پژوهش احصا شدند و به بیان باقی مفاهیم در حد اشاره اکتفا می‌شود.

### ۱-۱-۷. مفهوم ایمان

مهم‌ترین راز مطالعه آیات الهی، ایمان به خدا و شناخت حقانیت اوست (فصلت/ ۵۳؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳: ۳۵۴/۱). در هستی تمام زیبایی‌ها مستند به خداوند است و او سرچشمه همه زیبایی‌هاست (حشر/ ۲۴)؛ اوست که زیبایی‌ها را برای بندگانش بیرون آورده است (اعراف/ ۳۲)؛ چهره زمین را به زیورها آراسته است (کهف/ ۷)؛ آسمان را زینت بخشیده است (صافات/ ۶) و کار هر گروه را نزد خودشان جلوه داده است (انعام/ ۱۰۸؛ خرقانی، ۱۳۸۷: ۳۶). از ایمان به خدای سبحان به عنوان زینت جان انسان یاد شده است (حجرات/ ۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۳۹۴/۳). بنابراین در آیه ۳۹ و ۴۰ سوره نساء، از ایمان به چنین خداوندی، به منزله امر نیکو و زیبا و در آیه ۸ سوره تحریم به منزله نور الهی یاد شده است؛ همان نوری که پیش روی مؤمنان حرکت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۵۶۵/۱۹). پس ایمان با نور الهی ملازم است.

باید توجه داشت وجه زیبایی‌شناسانه ایمان به خود خداوند باز می‌گردد؛ چرا که در نگرش اسلامی، خداوند با صفت جمیل شناخته می‌شود کسی که آفریننده زیبایی‌ها در جهان آفرینش و دارای جمالی مافوق زیبایی‌های محسوس و معقول است؛ دارای نیکوترین نام‌هاست (اعراف/ ۱۸۰؛ طه/ ۸). او هم در نام زیباست و هم در کار (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۲/۱). بنابراین ما باید به خدایی ایمان بیاوریم که از چنین زیبایی برخوردار است. در ضمن خداوند به عنوان احسن‌الخالقین، احسن باورها را که ایمان به اوست از ما می‌طلبد. درک درست زیبایی‌های جهان آفرینش و جمال الهی منجر به لذت بردن

از ایمان به چنین خداوندی می‌گردد.

در آیات قرآنی ایمان به عنوان وجه مشترک روابط مترادف، علی و تقارنی ایجابی واژگان حسن، زینت (ناظر به زیبایی حقیقی منتهی به خیر) و نیز وجه مشترک روابط تضاد و تقارنی سلبی واژگان زینت (ناظر به زیانمندی و زیبایی حقیقی منتهی به شر) به شمار می‌آید (بقره/ ۱۳۷-۱۳۸، ۱۷۷-۱۷۸ و ۲۱۲؛ آل عمران/ ۱۴ و ۱۷۱-۱۷۲؛ نساء/ ۳۹-۴۰، ۵۹-۶۰ و ۸۶؛ مائده/ ۱۲ (رابطه تقارنی ایجابی با واژه حسن)، ۸۴-۸۵ و ۹۳؛ انعام/ ۸۲، ۸۴ (از پیامبران الهی به عنوان مصداق محسن نام برده شده است، ایمان یکی از علل آن است) و ۱۲۲ (در اینجا با توجه به تفاسیر، حیات ایمان معنا شده است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۴۶۴/۷-۴۶۵)). رابطه تقارنی سلبی با واژه زینت ناظر به زیانمندی و زیبایی حقیقی منتهی به شر؛ اعراف/ ۱۴۴-۱۴۵ و ۱۵۶-۱۵۷؛ انفال/ ۴۵-۴۸؛ توبه/ ۹۹-۱۰۰؛ رعد/ ۲۹ (رابطه علی با واژه حسن)؛ نحل/ ۹۷؛ اسراء/ ۷ و ۹؛ کهف/ ۲، ۲۸-۳۱، ۸۷-۸۸، ۱۰۴ و ۱۰۷؛ مریم/ ۷۳؛ طه/ ۸۲ و ۸۶؛ حج/ ۲۳ (رابطه علی با واژه حلیه)؛ فرقان/ ۷۰؛ قصص/ ۵۳-۵۴ و ۷۹-۸۰؛ عنکبوت/ ۷، ۴۶ (رابطه مترادف با واژه حسن)؛ فاطر/ ۷-۸؛ صافات/ ۸۰، ۱۱۰، ۱۲۱ و ۱۳۱؛ زمر/ ۱۰؛ غافر/ ۳۷-۳۵؛ شوری/ ۲۳؛ احقاف/ ۱۲-۱۴؛ محمد/ ۱۲-۱۴؛ حجرات/ ۷ (رابطه تضاد با واژه زینت (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۳/۳۹۴))؛ حدید/ ۱۱-۱۵؛ ممتحنه/ ۴؛ طلاق/ ۱۱).

## ۱-۲. مفهوم کفر (متضاد با ایمان)

اسلام به مردم هشدار جدی می‌دهد که هر زیبایی و آرایشی که تفکر و هدف‌گیری‌های بشری در به وجود آمدن یا ارائه آن دخالت بورزد، نمایانگر حقیقت نیست (نصر، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱). قرآن ما را از اشتباه گرفتن سراب زیبایی به جای زیبایی متین باز می‌دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل زیانمندی‌ها کفر است.<sup>۱</sup>

زیبایی‌های حیات دنیا با اینکه فی‌نفسه طبق آیات دیگر قرآن بد نیست، اما کفر سبب می‌شود که فرد از این زیبایی‌ها به نحو مطلوب استفاده نکند و این زیبایی‌های حقیقی خداوند در نهایت با سوء تدبیر فرد منتهی به شر می‌گردد. به اعتقاد علامه طباطبایی، زینت یافتن زندگی دنیا اختصاصی به کفار ندارد؛ ممکن است مسلمان هم

۱. «قل هل ننبئکم بالأخسرين أملاً الذین ضلّ سعیم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون أنهم یحسنون صنعا\* أولئک الذین کفروا آیات ربهم ولقائهم فحبطت أعمالهم فأنعم لهم یوم القیامة ونا» (کهف/ ۱۰۴-۱۰۵).

دچار این انحراف بشود و حقیقتی از حقایق دینی را بپوشاند و نعمتی از نعمت‌های دینی را تغییر دهد که چنین کسی هم کافری است که حیات دنیا در نظرش زینت یافته است<sup>۱</sup> (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۶۵/۲-۱۶۶).

کافر مفرّی از ظلمات ندارد برای اینکه اعمال او آن‌چنان به نظرش جلوه کرده و او را مجذوب ساخته که نمی‌گذارد به فکر بیرون آمدن از ظلمت همان عمل افتاده، خود را به فضای روشن سعادت بکشاند<sup>۲</sup> (همان: ۴۶۸/۲).

مفهوم کفر در تضاد با مفهوم ایمان قرار دارد و مطابق با آیات قرآنی کفر به عنوان وجه مشترک روابط تضاد و تقارنی سلبی واژگان حسن و روابط علیّی و تقارنی ایجابی واژه زینت (ناظر به زیانمایی و زیبایی حقیقی منتهی به شر) به دست آمده است (بقره/ ۲۱۲: آل عمران/ ۱۹۵-۱۹۷: نساء/ ۳۶، مائده/ ۱۲ و ۸۴-۸۵: اعراف/ ۳۲: توبه/ ۳۷ و ۱۰۷: یونس/ ۱۲-۱۳ و ۸۸: رعد/ ۳۳: اسراء/ ۷-۱۰: کهف/ ۲۷-۲۹: نمل/ ۴ (رابطه علیّی با واژه زینت ناظر به زیانمایی و زیبایی حقیقی منتهی به شر): قصص/ ۷۹-۸۳: لقمان/ ۲۲-۲۳ (رابطه تضاد با واژه حسن); فاطر/ ۵-۸: زمر/ ۵۸-۵۹: فصلت/ ۵۰: محمد/ ۱۲-۱۴: فتح/ ۱۳ (رابطه تقارنی ایجابی با واژه زینت ناظر به زیانمایی و زیبایی حقیقی منتهی به شر); حجرات/ ۷: حدید/ ۸-۱۰ (رابطه تقارنی سلبی با واژه حسن)).

سایر مفاهیم مشترک روابط ایجابی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی و روابط سلبی واژگان ناظر به زیانمایی و زیبایی حقیقی منتهی به شر از پرکاربردترین تا کمترین فراوانی (حداقل ۷ مورد) عبارتند از: خداوند به عنوان خالق زیبایی‌ها، تقوا، خلقت آیات آفاقی، صبر، دریافت هدایت الهی، بهشت با همه نعمت‌هایش، عمل صالح، دریافت پاداش الهی، انفاق در راه خدا یا صدقه دادن، استغفار، غفران الهی، داشتن بینش یا بصیرت، توبه به درگاه الهی، صاحب دانش بودن و علم‌ورزی، دریافت فضل الهی، دریافت رحمت الهی، اقامه نماز، دادن زکات، خلقت انسان و مراحل زندگی او، دعا به درگاه الهی، تکفیر (پوشاندن) سیئات، از بین بردن گناهان و جبران بدی‌ها، خواهان خدا و رسول و سرای آخرت بودن و اطاعت از خدا و رسول، تذکر یافتن

مفهوم زینت در تقارنی سلبی

۱. «زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...» (بقره / ۲۱۲).

۲. «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلَهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا أَكْذَلِكَ زَيْنٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام / ۱۲۲). در اینجا با توجه به تفسیر، مرگ به کفر معنا شده است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۴۶۴/۷).

(پندپذیری)، معاشرت نیکو و خوش خلقی، تسلیم امر الهی بودن، ذکر الهی، شکر الهی، کتاب الهی (قرآن)، دریافت روزی بی پایان الهی.

سایر مفاهیم مشترک روابط سلبی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی و روابط ایجابی واژگان ناظر به زیانمایی و زیبایی حقیقی منتهی به شر از پرکاربردترین تا کمترین فراوانی (حداقل ۷ مورد) عبارتند از: عذاب اخروی الهی، جهنم با همه عذاب‌های آن، اعمال زشت (سیئه، سوء، فواحش، منکر، جرم)، شرک، ظلم و ستم (بغی)، ضلالت (گمراهی)، ضلالت از طرف خدا، فسق، متاع زندگی دنیوی (عشق به امیال نفسانی، زنان و فرزندان، ثروت، طلا، نقره، اسبان داغ‌برنهاد، چارپایان، زراعت) و لذایذ مادی و شهوانی حال و آینده، عصیان و طغیان در مقابل خدا، نفاق، تکذیب حق، عذاب دنیوی الهی، زودگذری و زوال‌پذیری متاع دنیوی، شیطان، تکبر، خسران.

## ۸. بحث پیرامون یافته‌های پژوهش

در تحلیل مفهوم زیبایی حقیقی منتهی به خیر، زیبایی حقیقی منتهی به شر و زیانمایی با بررسی مفاهیم مشترک روابط ایجابی و سلبی با توضیحاتی که پیشتر بیان شد و ارتباط اشراقی که میان این مفاهیم برقرار است، می‌توان گفت: در «زیبایی حقیقی منتهی به خیر»، مفهوم ایمان به خداوند جایگاه اساسی دارد؛ به این معنا که از ایمان به خدا در آیه‌ای به عنوان مصداق زیبایی و در آیه دیگر به عنوان علت یا معلول و یا مفهومی متقارن با آن یاد شده است. در مرحله بعد سایر مفاهیم ذکرشده در بالا در پیوند با زیبایی حقیقی منتهی به خیر قرار دارند. در «زیبایی حقیقی منتهی به شر» و «زیانمایی» نیز هرچند در ابتدای راه کاملاً از هم متمایز هستند اما در انتهای مسیر به یک نقطه منتهی می‌گردند. در هر دو، مفهوم کفر نقش اساسی دارد و به عنوان مصداق، علت، معلول و یا مفهوم متقارن مطرح گردیده است. در مرحله بعد نیز سایر مفاهیم مذکور در بالا در پیوند با زیبایی حقیقی منتهی به شر یا زیانمایی قرار گرفته‌اند. در این میان برخی مفاهیم مربوط به خداوند به عنوان موجد زیبایی است: خداوند به عنوان خالق زیبایی‌ها، خلقت آیات آفاقی، بهشت با همه نعمت‌هایش، پاداش الهی، خلقت انسان و مراحل زندگی او، کتاب الهی (قرآن). انسان در برابر این زیبایی‌های

طبیعی در دنیا و عقبی منفعل است؛ به این معنا که بدون برنامه قبلی با این‌ها مواجه شده است اما در ادامه می‌تواند با افعال مختارانه نیکوی خود، به شکل فعال به زیبایی‌ها دست یابد. هدایت الهی، غفران الهی، فضل الهی، رحمت الهی، تکفیر (پوشاندن) سیئات، از بین بردن گناهان و جبران بدی‌ها، روزی بی‌پایان الهی اموری هستند که فرد با افعال زیبای مختار خود به آنها دست می‌یابد. از طرف دیگر از این افعال زیبای مختارانه انسان می‌توان به موارد ایمان، تقوا، صبر، عمل صالح، انفاق در راه خدا یا صدقه دادن، استغفار، داشتن بینش یا بصیرت، توبه به درگاه الهی، صاحب دانش بودن و علم‌ورزی، اقامه نماز، دادن زکات، دعا به درگاه الهی، خواهان خدا و رسول و سرای آخرت بودن و اطاعت از خدا و رسول، تذکر یافتن (پندپذیری)، معاشرت نیکو و خوش خلقی، تسلیم امر الهی بودن، ذکر الهی و شکر الهی اشاره کرد.

از سوی دیگر انسان با ارتکاب به اعمال زشت (سیئه، سوء، فواحش، منکر، جرم)، شرک، ظلم و ستم (بغی)، فسق، عصیان و طغیان در مقابل خدا، نفاق، تکذیب حق و تکبر، گرفتار عذاب اخروی الهی، جهنم با همه عذاب‌های آن، ضلالت (گمراهی)، عذاب دنیوی الهی و خسران می‌شود. نکته قابل توجه اینکه متاع زندگی دنیوی و لذا لذت‌مندی و شهوانی حال و آینده هرچند فی‌نفسه زیانمایی نیستند اما در صورت عدم توجه به زودگذری و زوال‌پذیری متاع دنیوی در نهایت امر به شر (عذاب، ضلالت و خسران) منتهی می‌شوند. باید توجه داشت که علت اصلی زیانمایی زشتی‌ها و بهره‌گیری نادرست از زیبایی‌های حقیقی نزد افراد، کفر و شرک است؛ چرا که خداوند به نحو ابتدایی زشتی‌ها را برای کسی زیبا جلوه نمی‌دهد بلکه به سبب عقاید و اعمال خود فرد گرفتار صفت اضلال الهی می‌گردد. در این راستا شیطان هم از این ضعف انسان‌ها استفاده کرده و آنها را فریب می‌دهد.

توضیح بیشتر اینکه زیبایی‌های حقیقی منتهی به شر و زیانمایی‌ها نیز در هم تنیده‌اند. از جمله زیبایی‌های حقیقی منتهی به شر، افراط در استفاده از زیبایی‌های طبیعی و دل بستن به آنهاست؛ به این معنا که جلوه‌های زیبا و غفلت‌زای طبیعت (آیات آفاقی و انفسی) حجابی می‌شود مانع دیدن حق. باید توجه داشت غفلت مهم‌ترین آسیب زیبایی‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۹۶/۱۰) و به دل بستن به زیبایی‌های

زودگذر و فانی منجر خواهد شد. خداوند در آیات بسیاری از آیات، این دلبستگی را نکوهیده است.<sup>۱</sup>

و از طرفی بسیاری از زیبایی‌های حقیقی در دام زیانمایی‌ها گرفتار آمده‌اند و خود بی‌خبرانند.<sup>۲</sup>

با بررسی آیات قرآن کریم مشخص می‌گردد که بهره‌گیری از زیبایی‌های دنیوی اعم از آیات افاقی و آیات انفسی، به خودی خود ایرادی ندارد و در اسلام که دینی همگام با عقل و فطرت است نیز زیبایی و زیبایی‌جویی نه تنها امر مطلوبی شمرده شده، بلکه مطابق با آیات ۳۱ و ۳۲ اعراف<sup>۳</sup> به آن دعوت شده و حتی محروم کردن مردم از آن نیز توییح گردیده است. علامه طباطبایی هم با استناد به این دو آیه تمایل انسان به بهره‌گیری از زیبایی‌ها را الهامی الهی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۹۹/۸-۱۰۱). اما باید توجه داشت که تمایل و گرایش آدمی به زیبایی چنان که می‌تواند زمینه‌ساز رشد و تعالی و کمال انسان شود، ممکن است زمینه‌ای مناسب برای انحراف و انحطاط و لغزش نیز باشد. گرایش و تمایل انسان به زیبایی تا آنجاست که ابلیسان نیز برای فریب و اضلال آدمی از نمودهای زیبایی بهره می‌گیرند.

هنر شیطانی با تحریف زیبایی حقیقی و با کمک گرفتن از زینت به زیانمایی می‌پردازد. شیطان به تعبیر قرآن دشمن آشکار انسان (بقره/۱۶۸)، در راستای هدف خود که گمراهی انسان است<sup>۴</sup> از ابزار زینت استفاده می‌کند<sup>۵</sup> (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۳/۳۹۴). گرایش و تمایل انسان به زیبایی تا آنجاست که ابلیسان نیز برای فریب آدمی از نمودهای زیبایی بهره می‌گیرند؛ زیرا به جهت جاذبه‌ای که دارد می‌تواند با استخدام ذوق و شهود زیبایی‌بایی ما، تعقل درباره آن دو را از ما بگیرد (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

۱. «اعلموا انما الحیاة الدنیا لبّ و لهو و زینة و تفانخرو بینهکم و تکاثرو فی الاموال و الاولاد... و ما الحیاة الدنیا الا متاع الفزوری» (حدید / ۲۰).

۲. «قل هل ننبئکم بالاحسنین اعمالا الذین ضلّ سعیم فی الحیاة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسون صنعا» (کهف / ۱۰۴).

۳. «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجد و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا انه لا یحبّ السرفین\* قل من حرم زینة الله الّتی اخرج لیباده و الطّیبات من الرزق قل هی للذین آمنوا فی الحیاة الدنیا خالصة یوم الّقیامة کذلک نفضّل الایات لقوم یعلمون» (اعراف / ۳۱-۳۲).

۴. «قال رب بما اغویتنی لا زینت لکم فی الارض و لا غویتکم اجمعین» (حجر / ۳۹).

۵. «و زینت لکم الشیطان اعمالکم» (نمل / ۲۴).

علامه طباطبایی اشاره می‌کند که تمامی اعمال انسان در گرو زیبایی است؛ زیرا حتی شیطان نیز اعمال زشت او را در نظرش زیبا جلوه می‌دهد تا او را از این طریق به سمت بدی‌ها بکشاند<sup>۱</sup> (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۴۳۴/۷-۴۳۸). بنابراین ما باید زیانمایی‌ها را به مثابه یک موقعیت خطرناک یا تهدیدآمیز مورد توجه و تذکر، و روش‌های بازدارنده و پیشگیری از آن‌ها را مدنظر قرار دهیم و نیز توجه داشته باشیم که عملکرد ما نسبت به زیبایی‌های حقیقی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چه بسا که با عملکرد نادرست، به جای انتهای خیر، عاقبت شری را مانند زیانمایی‌ها نصیب انسان کند.

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تحلیل مفهوم زیبایی در قرآن کریم با کمک شبکه معنایی بوده است. بر این اساس مراحل ذیل طی گردید:

۱. مفهوم‌شناسی واژگان زیبایی حقیقی (منتهی به خیر و منتهی به شر) و زیانمایی: واژگان با ظهور در زیبایی حقیقی منتهی به خیر عبارتند از: حسن، جمال، زینت، حلیه و زخرف. واژگان با ظهور در زیبایی حقیقی منتهی به شر عبارتند از: حسن، زینت، حلیه و زخرف و واژگان با ظهور در زیانمایی عبارتند از: حسن، زینت، تسویل. برای مفهوم‌شناسی این واژگان نیز از کتب لغت و تفاسیر بهره گرفته شد.

۲. شناسایی جایگاه واژگان: در قرآن هر جمیلی حسن است؛ اما هر حسنی، جمیل نمی‌باشد. هر دو ناظر به زیبایی‌های مادی و معنوی با بار مثبت معنایی هستند. واژه زینت بر خلاف واژگان حسن و جمال، در هر دو جنبه مثبت و منفی کاربرد دارد. واژگان حلیه و زخرف نیز مفهوم زینت را دارد اما حلیه بر خلاف زینت و زخرف بیشتر با بار معنایی مثبت به کار رفته است. نوعی رابطه اندراجی میان واژگان مذکور قابل شناسایی است. واژه جمال مندرج ذیل واژه حسن و نیز واژگان حلیه و زخرف ذیل واژه زینت قابل دسته‌بندی هستند.

۳. شناسایی روابط مفهومی میان واژگان در شبکه معنایی: در این مرحله مفاهیم

۱. «...وَرَيْنَ لَمَّا السَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَوَسَّوهُمُ عَنِ السَّبِيلِ فَمَنْ لَا يَهْتَدُونَ» (نمل / ۲۴).

مرتبط با واژگان زیبایی و نوع رابطه آن‌ها با هم شناسایی و دسته‌بندی شدند. این مفاهیم در قالب دو دسته مورد بررسی قرار گرفتند: ۱- مفاهیم با رابطه ایجابی و شامل مفاهیم با روابط مترادف، علی و تقارنی ایجابی؛ ۲- مفاهیم با رابطه سلبی و شامل مفاهیم با روابط تضاد و تقارنی سلبی. از بررسی این روابط به دست آمد که: روابط ایجابی و نیز روابط سلبی دارای مفاهیم مشترکی هستند و دیگر اینکه بسیاری از مفاهیمی که در روابط ایجابی واژگان ناظر به زیبایی حقیقی منتهی به خیر شناسایی شد، با مفاهیم روابط سلبی واژگان ناظر به زیانمایی (و زیبایی حقیقی منتهی به شر) مشترک است و برعکس.

۴. استنباط مفاهیم کلیدی مرتبط با زیبایی و زیانمایی: در قرآن کریم مفاهیم زیبایی (و زیانمایی) به شدت در هم تنیده هستند و هیچ یک قابل تفکیک از دیگری نیستند. در واقع مصداق زیبایی (و زیانمایی)، در عین حال می‌تواند خود مؤلّد (عامل)، معلول و یا مقارن با زیبایی‌های دیگر (و زیانمایی) نیز باشد. بنابراین این مفاهیم مؤلّد (زیبایی یا زیانمایی)، به عنوان مفاهیم کلیدی برگزیده شدند. پرکاربردترین مفاهیم مشترک روابط ایجابی یا سلبی واژگان زیبایی و زیانمایی که در این پژوهش احصا شده، عبارتند از دو مفهوم متضاد ایمان و کفر.

۵. تحلیل مفهوم زیبایی حقیقی و زیانمایی: در زیبایی حقیقی منتهی به خیر، مفهوم ایمان به خداوند جایگاه اساسی دارد؛ به این معنا که از ایمان به خدا در آیه‌ای به عنوان مصداق زیبایی و در آیه دیگر به عنوان علت یا معلول و یا مفهومی مقارن با آن یاد شده است. در زیبایی حقیقی منتهی به شر و زیانمایی نیز هرچند در ابتدای راه کاملاً از هم متمایزند، اما در انتهای مسیر به یک نقطه منتهی می‌گردند. در هر دو، مفهوم کفر نقش اساسی دارد و به عنوان مصداق، علت، معلول و یا مفهوم مقارن مطرح گردیده است.



کتاب‌شناسی

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. ایازی، سیدمحمدعلی، «اصول و مبانی زیبایی‌شناسی قرآن کریم»، نشریه پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۱، ۱۳۸۵ ش.
۴. ایزوتسو، توشی‌هیکو، خدا و انسان در قرآن: معنی‌شناسی جهان‌بینی قرآنی، ترجمه احمد آرام، تهران، انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۵. باقری، خسرو، رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹ ش.
۶. بنت‌الشاطی، زینب، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۷. جعفری، محمدتقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۱ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۸۲ ش.
۹. همو، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. همو، هنر و زیبایی از منظر دین، تهران، بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. حسین‌زاده، ام‌البنین، محمدرضا شرفی، فاطمه زیباکلام و خسرو باقری، «وجوه تربیتی مفهوم زیبایی در ترکیبات وصفی قرآن و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت»، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره بیستم، شماره ۱۷، ۱۳۹۱ ش.
۱۲. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. خرقانی، حسن، «مفاهیم زیبایی‌شناختی در قرآن»، نشریه مطالعات اسلامی، شماره ۸۰، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۵. رجبی، محمد، «هنر و حقیقت»، در: مجموعه مقالات چستی هنر، تدوین سیدعباس نبوی، تهران، قطران، ۱۳۷۸ ش.
۱۶. رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. سید بن قطب، تصویرسازی هنری در قرآن، ترجمه زاهد ویسی، سنندج، آراس، ۱۳۸۹ ش.
۱۸. شاه‌پسند، الهه، «آسیب‌شناسی زیبایی‌ها در پرتو وحی»، نشریه مشکوة، سال ۲۸، شماره ۱۰۳، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. شریعتمداری، جعفر، شرح و تفسیر لغات قرآن (بر اساس تفسیر نمونه)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. شریفی، عنایت‌الله، «زیبایی‌ها و زینت‌ها از منظر قرآن»، نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۵۶۹، ۱۳۸۷ ش.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، تهران، فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۲۳. عادل‌مقدم، محمدعلی، «مصادق‌های زیبایی در نگاه قرآن کریم»، نشریه رشد (آموزش قرآن)، شماره ۶، ۱۳۸۳ ش.

۲۴. فانی، کامران و بهاء‌الدین خرمشاهی، فرهنگ موضوعی قرآن مجید (الفهرس الموضوعی للقرآن الکریم)، تهران، الهدی، ۱۳۶۹ ش.
۲۵. قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، ترجمه مرتضی آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۶. قمی، عباس، فرهنگ واژگان قرآن، ترجمه غلامحسین انصاری، تهران، نشر بین‌الملل وابسته به نشر امیرکبیر، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. کلاتری، الیاس، لغات قرآن در تفسیر مجمع‌البیان، تهران، بیان، ۱۳۶۳ ش.
۲۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرة‌المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، دروس فلسفه اخلاق، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۳۱. مطعنی، عبدالعظیم، دراسات جدیدة فی اعجاز القرآن، قاهره، مکتبه وهبه، ۱۴۱۷ ق.
۳۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. همو، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۳۴. همو، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۳۵. مطع، مهدی، «مبانی زیبایی‌شناسی در قرآن، قرآن به مثابه نظریه‌پردازی زیبایی»، فصلنامه هنر، شماره ۷۰، ۱۳۸۵ ش.
۳۶. نصر، طاهره، از هنر و هنر اسلامی، شیراز، نوید، ۱۳۸۶ ش.
۳۷. واسطی، علی بن محمد، عیون‌الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.



## موجز المقالات

### دراسة في تأثير متعلّق المعرفة في الأخلاق من منظور القرآن الكريم

- حامد مسكوب (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة آزاد، فرع العلوم والأبحاث)
- سيّد محمّد باقر حجّتی (أستاذ بجامعة آزاد الإسلامية، فرع العلوم والأبحاث)
- مهديّ مهريزيّ (أستاذ مشارك بجامعة آزاد الإسلامية، فرع العلوم والأبحاث)

سعى البحث إلى تسليط الضوء على تأثير متعلّق المعرفة في الأخلاق من منظور القرآن الكريم. لذلك استهلّ البحث بنظرة دقيقة على آيات القرآن الكريم من هذا المنظور، وبوّب المعارف القرآنيّة المؤكّدة والمؤثّرة في الأخلاق، ومن ثمّ حلّلها، وهي كالتالي:

١. معرفة الدنيا، ٢. معرفة الآخرة، ٣. معرفة الشريعة والتعاليم الأخلاقيّة، ٤. معرفة الشيطان وسبل مواجهته، ٥. معرفة الإنسان، ٦. معرفة الله المتعال. ثمّ تركّز البحث على دراسة مدى التأثير الأخلاقيّ الكامن في هذه المعارف، وأعمقها وأكملها تأثيراً في الأخلاق. خلص البحث إلى أنّه كلّما ارتقى متعلّق المعرفة أكثر، ازداد تأثيره الأخلاقيّ عمقاً وسموّاً، وإنّ أعلى مراتب المعرفة -وهو التوحيد ومعرفة صفات الله تعالى- سبّرتك أعمق التأثير في إصلاح الأخلاق وتقويمها.

المفردات الرئيسيّة: المعرفة، الأخلاق، الدنيا، الآخرة، التعاليم الأخلاقيّة.

## ضرورات الإدارة في التبليغ الاستراتيجي الشامل من منظور القرآن الكريم

- محمد نقى ديارى بيدگلى (أستاذ بجامعة قم)
- محمد هادى مفتّح (أستاذ مشارك بجامعة قم)
- نعمة الله فيروزى (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة قم)

لقد عدّ القرآن الكريم أهمّ رسالات الأنبياء الإلهيين إبلاغ رسالة الدين وتبليغها. والعناية بمعايير التبليغ فى القرآنى، تكشف الحقيقة القائلة بأن مهمة التبليغ، ليست مجرد نقل الرسالة وإبلاغها؛ بل نجاحها نتيجة نظرة علمية إستراتيجية إلى أبعاد التبليغ المعقدة والعوامل المؤثرة فيه. تفيد دراسة المؤلفات والخطوات الكثيرة فى هذا المجال بأنّ المصادر والاتجاهات الحالية تتركز فى أغلب الأحوال «على طرق التبليغ الفردى، وشرح النماذج فى الداخلى الدينى»، وقلما تعرض اتجاهاً شاملاً دقيقاً لانسجام عناصر التبليغ وأبعاده وتماسكها. خلصت هذه الدراسة فى ضوء معارف القرآن الكريم والسيرة العملية لأهل البيت عليهم السلام إلى ضرورات يمكن العناية بها أن تفضى إلى تطوّر وتأثير ملحوظ فى مسار التبليغ الدينى؛ ومن هذه الضرورات تجدر الإشارة إلى ضرورة الفهم الشامل من وجوه التمايز، تبليغ الدين أهدافه ووظائفه، تحديد الأولويات فى نظام موضوعات التبليغ، عرض المشاريع الشاملة الطويلة المحاور، تخطيط نظام المشاركة الشاملة، وأيضاً تطبيق نظام المسح والتقييم الشامل فى التبليغ. وبناءً على مخرجات التبليغ الإستراتيجى الشامل، فإنّ الترويج لأصل الدين وترسيخ أسسه فى المجتمع لن يحصل بالنظرة الجزئية والإجراءات القصيرة الأجل؛ بل لا بدّ من تنفيذ هذه الخطوات والإجراءات على الأسس الدينية الأصيلة، وبمحمورية رسم دقيق للآفاق المستقبلية، وتحديد منطقتى لدور كلّ الأجزاء ومكانتها، وأبعاد وبرامج المتناسقة.

المفردات الرئيسة: تبليغ الدين، ضرورات الإدارة، إستراتيجيات شاملة، القرآن الكريم.

## دراسة فى نمط الحياة الإيماني على ضوء القراءة المضموتية والبنويّة فى سورة الحجرات وفق دراسة دلالية للإيمان والكفر

- أبو الفضل حرّى
- أستاذ مساعد بجامعة أراك

هذا البحث يسلط الضوء على نمط الحياة الإيماني من خلال قراءة مضمونيّة وبنويّة لسورة الحجرات وفي ضوء دلالات الإيمان والكفر. يبدأ البحث باستعراض خلفيّة الدراسات التفسيرية المتعلّقة بسورة الحجرات بما فيها الميزان والأمثل وبعض الدراسات المستقلّة. ثمّ تتركز عدسة البحث على بنية سورة الحجرات ومضمونها في ضوء نمط الحياة الإيمانيّ. فقولته تعالى: «يا أيّها الذين آمنوا»، يُعدّ ضرباً من الدعوة أو الخطاب الذي يمثّل الأيديولوجيا الإسلاميّة. وتكررت هذه الدعوة في سورة الحجرات ستّ مرّات. يناقش البحث هذه الدعوات في ضوء التقابل الدلاليّ بين الإيمان والكفر. ثمّ يتطرّق البحث إلى موضوع نمط الحياة الإيمانيّ أيضاً. بعد ذلك، يقال بأنّ هذه الدعوات تحمل شحنة دلاليّة سلبية، ويجب اجتنابها في نمط الحياة الإسلاميّ. كما تناول البحث ستّ ردائل خلقيّة لسائيّة ذميمة وفق دلالات مقولتي الإيمان والكفر وحقولهما الدلاليّة. وتلك الرذائل هي: الاستهزاء، والعيب والتعير، والتنازب بالألقاب القبيحة، وسوء الظنّ، والتجسس والغيبة. ثمّ توصف التقوى بأنّها أفضل صفة مؤثّرة في تلك الصفات الذميمة. وينتهي المقال إلى رسم نموذج على أساس قطبي الإيمان والكفر لنمط الحياة الإيمانيّ، والإشارة إلى النتائج المستخلّصة.

المفردات الرئيسيّة: نمط الحياة الإيمانيّ، علم الدلالة، الإيمان، الكفر، الحجرات.

### المنهجية والتحقّق من صحّة استنباط دلالة الإشارة القرآنيّة

- سيّدة بتول ضياء الدين (طالب دكتوراه في التفسير المقارن بجامعة المصطفى العالميّة)
- حسن نقى زادة (أستاذ جامعة فردوسيّ في مشهد)
- حسن خرقانيّ (استاذ مشارك بالجامعة الرضويّة للعلوم الإسلاميّة)
- مرتضى نوروزيّ (عضو الهيئة التدريسيّة بجامعة المصطفى العالميّة)

يتناول هذا البحث مفهومًا علميًّا لتوضيح دلالة الإشارة ومقامها وأركان وشروط وضوابط تحقّقها وحجّيتها، ويستثمر نهج الاستناد والوصف والتحليل. وتدلّ الدراسات في باب دلالة الإشارة على أنّ هذا النوع من الدلالة ليس من سنخ اللفظ، بل هو أمر أوسع من ذلك، ومن النوع غير الصريح والدلالة الالتزاميّة، ولا يكون حسب العرف المقصود المباشر للمتكلّم، غير أنّ هذا التعبير يستعمل تسامحًا فيما يتعلّق بالله وكلامه،

لأنه تعالى عالم مطلق بجميع الأمور. ولهذه الدلالة درجات تقسم وفق التعريفات إلى جلىّ وخفى، ويمكن الوقوف على هذه الدلالة بالدقة العقلية ومن الدلالات البينة، إلا أنها تكون بالمعنى الأعمّ وتأتي درجة دلالة الإشارة بعد دلالة الاقتضاء ودلالة التنبه. إن حجّية دلالة الإشارة من باب حجّية ظواهر الألفاظ هي مسألة موضع شك، لأنها ليست المقصود الأصلي للمتكلّم لا من حيث الاستعمال ولا من حيث السياق، إذ أريد بها التبعية والارتكاز، بيد أنه يمكن اعتبار هذه الدلالة من الدلالات التبعية، وعدّها حجة من باب الملازمات العقلية. وتتمتع دلالة الإشارة بخاصية الاطلاع على الإعجاز البياني للقرآن الكريم والعالم الشمولي للأحكام وعلوم القرآن، ويمكن بواسطتها استنباط الأحكام الشرعية والأحكام السياسيّة والأمر العقائديّة وما شابهها من القرآن. المفردات الرئيسة: الدلالة الالتزامية، دلالة الإشارة، الاستنباط من القرآن، أصول الفقه.

## المبادئ والمناهج التفسيرية ودورها في تحديد مفهوم التوحيد

□ حميد إيماندار (أستاذ مساعد بجامعة شيراز)

□ حامد مصطفوي فرد (أستاذ مساعد بجامعة ولي عصر عليه السلام رفسنجان)

إنّ القرآن الكريم هو المصدر الرئيس في تقرير العقائد الكلامية والعقدية في منظور جميع الفرق الإسلامية؛ تركّز هذا البحث على دراسة تأثير المبادئ والمناهج التفسيرية في مضمار مبادئ العقيدة الإسلامية، دائرة في فلك التوحيد باعتباره أهمّ القضايا في مبادئ العقيدة الإسلامية. وفي هذا البحث سندرس المبادئ الصدورية والدلالية للتفسير ومناهجه من حيث دورها ووظائفها في تحديد مفهوم التوحيد. فالإتجاه الهرمينوطيقيّ في التفسير استأثر باهتمام الباحثين انطلاقاً من تأثيره العميق بمبادئ التفسير، وانصرف همّ الباحثين في هذا المجال إلى دراسة تقصّي النتائج السلبية لهذا الإتجاه في حجّية القرآن الكريم الصدورية. والنظرة المتميزة إلى الوحي القرآني بإضفاء الطابع الإنساني وغير الإلهي على ماهية الألفاظ والمعاني القرآنية تُعدّ نقطة ارتكاز في المبادئ التفسيرية للإتجاه الهرمينوطيقيّ، ما أثار مباشرة في تلقّي هذا الإتجاه من مختلف جوانب التوحيد. أمّا في حقل المبادئ الدلالية فقد اهتمّ الباحثون بأبحاث مثل المستويات الدلالية، وقابلية فهم الوحي القرآني، مؤكّدين على دور هذه المبادئ في الأبحاث التوحيدية كمبحث

التأويل وتشابه الصفات الإلهية. ولقد أفرز تأکید علماء الفريقين على الاستقلال الدلاليّ للقرآن الكريم بين حين وآخر إلى الجنوح إلى وجهات نظر سلفية في مضمار التوحيد العمليّ؛ فمنهج التفسير الأثرى في الوسط السنّيّ تمثّل في التيار السلفيّ، وأثار التجسيم والتشبيه في مجال التوحيد الصفاتيّ، مركزًا على الروايات الغنّة؛ كما أنّ الاتجاه الأثرى الشيعيّ هو الآخر أسفر عن التأويل والنزعة الباطنية في مجال التوحيد من خلال الطعن في استقلالية الدلالات القرآنية. إلى ذلك أفرز الحضور البارز للتفسيرات التأويلية والتمثيلية في المنهج التفسيريّ الفلسفيّ والنظر إلى القرآن باعتباره نتاجًا أدبيًا وثقافيًا في الاتجاه التفسيريّ الأدبيّ، أفرز ذلك كلّ تأثيرات سلبية في انطباعات أصحاب هذا الاتجاهين عن التوحيد الصفاتيّ.

المفردات الرئيسة: التفسير، التوحيد، المناهج التفسيرية، المبادئ التفسيرية.

### تحليل مفهوم الجمال في القرآن الكريم في ضوء الحقول الدلالية

- سيّدة إلهام آقائيّ أبرند آباديّ (طالبة دكتوراه في فلسفة التربية والتعليم بجامعة الزهراء عليها السلام)
- جميلة علم الهدى (أستاذة مشاركة بجامعة الشهيد بهشتي)

هذه الدراسة سعت إلى تحليل مفهوم الجمال في القرآن الكريم بالاستعانة بالحقول الدلالية، وهي فهم دلالة مفهوم واحد عبر دراسة المفاهيم المرتبطة به، بحيث تتضح الأبعاد والزوايا المهمة والخاصة لذلك المفهوم وكذلك علاقاته مع المفاهيم الأخرى. ومن أجل تحقيق الهدف الرئيس المذكور آنفًا، اعتمد البحث مراحل الدراسة الدلالية لمفردات الجمال والمعبرة عنه، معرفة رتبة المفردات، معرفة العلاقات الدلالية بين المفردات، استنباط المفاهيم الرئيسة المرتبطة بالجمال والتعبير الجماليّ، وأخيرًا تحليل مفهوم الجمال الحقيقيّ المنتهي إلى الخير، والجمال الحقيقيّ المنتهي إلى الشرّ وتصوير الجمال. منهج البحث، تحليليّ على أساس الحقول الدلالية، واستعان بآيات القرآن الكريم والتفسيرات وأمّهات كتب اللغة. وخلص البحث إلى أنّه يجب في القرآن الكريم التمييز بين مفاهيم الجمال الحقيقيّ المنتهي إلى الخير والمنتهي إلى الشرّ وتصوير الجمال. وهناك ترابط في منتهى الوثاقفة بين مفاهيم الجمال (وتصوير الجمال). وفي الحقيقة مصداق الجمال (وتصوير الجمال)، من شأنه أن يكون بنفسه مولدًا (عاملاً)، أو

معلولاً أو متقارناً مع مظاهر الجمال الأخرى (وتصوير الجمال). بعبارة أوضح يتنامى الجمال (وتصوير الجمال) ويتسع في سلاسل متوالية على الدوام. هذه المفاهيم المؤلدة (الجمال وتصويره)، اختيرت بوصفها مفاهيم رئيسة. وفي تحليل مفهوم الجمال الحقيقي المنتهى إلى الخير، والجمال الحقيقي المنتهى إلى الشرّ وتصوير الجمال مع دراسة المفاهيم المشتركة في العلاقات الإيجابية والسلبية والارتباط الإشارقي بين هذه المفاهيم؛ يجب القول بأن: الإيمان بالله تعالى يحظى بالموقع الرئيس المركزي في الجمال الحقيقي المنتهى إلى الخير. وفي الجمال الحقيقي المنتهى إلى الشرّ وتصوير الجمال، يلتقيان في نقطة واحدة عند خاتمة المطاف رغم اختلافهما في بداية الطريق. وفي كليهما، يؤدّي مفهوم الكفر الدور الأساس.

المفردات الرئيسية: تحليل المفهوم، الجمال، القرآن الكريم، الحقل الدلالي.

### المثالية في عين الواقعية من وجهة نظر القرآن الكريم

- محمّد إبراهيم روشن ضمير (أستاذ مساعد بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
  - عليّ عربّي آيسك (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- إنّ مناقشة العلاقة المثالية تعني النظر في الأهداف السامية والتطلّع نحو الحقائق، الواقعية تعني مطابقة الحركة على أساس الحقائق فحسب، منذ فترة طويلة بعيدة الأمد أدت إلى مناقشات مطوّلة. إنّ بعض آيات القرآن تدعو الإنسان إلى الأخذ بعين الاعتبار المثل السامية وعدم الالتفات إلى الحقائق، وتحذّر مجموعة أخرى من الجهل بالحقائق. تُظهر نتائج هذا البحث، التي أجريت بطريقة وصفية - تحليلية، على الرغم من أنّه للوهلة الأولى تبدو هاتان الفئتان من الآيات متعارضتين، ولكن يمكن الجمع بينهما بالالتفات إلى آيات أخرى مثل الآيات المتعلقة بعدد أفراد العدو في وجوب الجهاد، والاعتدال في آيات الإنفاق وما إلى ذلك...، وتجعل الإنسان المسلم -بينما يراقب باستمرار المثل العليا والتطلّعات- ينتبه إلى الحقائق الحاضرة. بعبارة أخرى، يدعو القرآن الكريم الإنسان إلى المثالية والواقعية. من الواضح أنّ تجاهل المثل العليا سيؤدّي إلى انحرافات عن الهدف والوجهة، وتجاهل الحقائق سيعقّب الفشل الذريع والإخفاق.
- المفردات الرئيسية: المثالية، الواقعية، المثالية - الواقعية، القرآن.



## دراسة في باب قاعدة المعاملة بالمثل على أساس الآية ٥٨ لسورة الأنفال

□ حميد رضا طوسى (أستاذ مساعد بجامعة المصطفى العالمية)

قاعدة الوفاء بالعهد تُعدّ القاعدة المركزية لمختلف المقررات في النظام الدولى للمواثيق والعهود. وهذه القاعدة تخسر قدسيّتها إذا نقض الطرف المقابل العهد، وحينئذ تكتسب قاعدة المعاملة بالمثل الشرعية. إنّ القاعدة الأخيرة تُعدّ أهم استثناء مشروع من قاعدة الوفاء بالعهد في جميع الأنظمة القانونية بما فيها النظام القرآنى القانونى. ومن المنظور القرآنى فإنّ النقض المبكر للعهود يظهر في أمرين: النقض الواقعى والنقض المستقبلى القائم على القرائن القطعية (النقض الحكمى) وكلاهما يشكّل أساس تسويغ قاعدة الإجراء المتقابل. التسويغ القرآنى لقاعدة الإجراء المتقابل المتعلّق بالنقض الحكمى يتمثل في الآية ٥٨ لسورة الأنفال. وهناك مذهبان في تفسير هذه الآية لتفردها الدلالى. وعلى أساس المذهب الأول، لا حاجة لاستنباط الحكم، إلى الربط الدلالى بين الآية والآيات الأخرى المتعلقة بنقض العهد؛ لأنّ السمة التعبيرية الإعجازية هي تشريع الحكم بإيجاز أى بألفاظ مختصرة ودلالة واسعة. هذا المذهب التفسيرى، يماثل مذهب الاستنباط الفقهى من الآية (قاعدة النبذ) وفي المنهج التفسيرى الذى تبناه هذا المقال، تبنى عملية كشف «جواز النقض المتقابل» فى العلاقات التوافقية للحكومة الإسلامية على نظام الآيات الدلالية؛ لأنّه فى المنهج الأخير يُفرض شرط مشروعية القاعدة (أى وقوع النقض البدائى) بما ينسجم مع الرؤية القرآنية الشاملة. وفى الوقت نفسه نجد ترابطاً دلالياً بين هذه الآية والآيات المتعلقة بالنقض المبكر (الواقعى). وفى ضوء هذه الرؤية التحليلية، يبرز التعريف بمظهر جديد لمحورية العدالة فى العلاقات التوافقية بين الدول (الإبداع القرآنى)، لأنّه على أساس هذا المنهج التحليلى، تتبين سمة كون «العمل المتقابل» «قاعدة» فى مقابل «النقض المبكر».

المفردات الرئيسة: الآية ٥٨ لسورة الأنفال، قداسة قاعدة «الوفاء بالعهد»، مشروعية قاعدة المعاملة بالمثل، الأساس القرآنى لقاعدة الردّ المماثل.

## إنجيل كودكى والقرآن الكريم؛ دراسة مقارنة

□ على ملا كاظمى (أستاذ مساعد بجامعة دامغان)

□ سيد كمال معتمد شريعتى (طالب ماجستير فى علوم القراءات القرآنية بجامعة أصفهان)

«إنجيل كودكى توماس» أحد الأناجيل المسيحية غير المعترف بها. وثمة وجوه شبه بينه وبين القرآن الكريم؛ الأمر الذى دفع ببعض المستشرقين إلى القول بأن الرسول الأعظم ﷺ اقتبس بعض آيات القرآن من إنجيل كودكى. فجاء هذا البحث ردًا على تلك المزاعم؛ حيث يُظهر مدى التشابه والاختلاف بين إنجيل كودكى والقرآن الكريم؛ ويُثبت ما إذا كانت أوجه التشابه دليلاً على اقتباس القرآن من إنجيل كودكى؟ تُثبت المقارنة بين إنجيل كودكى والقرآن الكريم أنّ القرآن تفرّد بذكر بعض المعاجز، نحو: التكلم فى المهد، وشفاء البرص، ونزول المائدة السماوية، وفى المقابل تفرّد إنجيل كودكى بذكر معاجز أخرى، نحو: تطهير مياه النهر، والزيادة على المقدار القليل، وتطويل قطعة خشب، وإصلاح الجرة المنكسرة، والعلم بالأبجدية والحروف. أمّا من أهمّ المعاجز المشتركة بين القرآن الكريم وإنجيل كودكى، فهى خلق الطير من الطين، وشفاء المريض، وإحياء الموتى، والإخبار بالغيب. من جهة أخرى فإنّ احتمال هذا الإنجيل على مواضيع مثل ذكر الوالدين للنبي عيسى عليه السلام، دعاء النبي عيسى عليه السلام على الآخرين واستهزائه وسبّه لهم ونقل القصص والحكايات بتفاصيل عديمة الجدوى والتأكيد على التفاصيل الفارغة عن الفوائد الإرشادية والتربوية، وكذلك كون الرسول الأعظم ﷺ أمياً، وعدم ارتباطه وانتفاعه بالمُطلعين على الكتب المقدسة، والاختلافات الأسلوبية والمضمونية بين القرآن الكريم وإنجيل كودكى، ذلك كلّهُ يُثبت بجلاء المصدر الوحيانى للقرآن، والمصدر الإنسانى لأخبار إنجيل كودكى، وهذا يكشف عن النزعة التشويهيّة والتنقيصيّة فى هذا الإنجيل بشأن صورة السيّد المسيح عليه السلام.

المفردات الرئيسة: القرآن الكريم، إنجيل كودكى توماس، النبي عيسى عليه السلام، النزعة التنقيصيّة، الأسلوب التعبيريّ والمضمونى.

## نظرة جديدة فى موضوع اعتبار خبر الواحد فى التفسير

### (انطلاقاً من وجهة نظر الشيخ الطوسى)

- محمّد إمامى (أستاذ مشارك بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- مصطفى أحمدى فر (أستاذ مساعد بجامعة المصطفى العالمية بمشهد)
- فريدون عباسى (طالب دكتوراه فى التفسير المقارن بجامعة المصطفى العالمية بمشهد)

هل اعتبار خبر الواحد يخصّ الأحاديث الفقهيّة أم هو شامل لها وللأحاديث التفسيرية أيضاً؟ هناك رأيان أصليان، يرى البعض أنّ الأدلّة المثبتة لإعتبار خبر الواحد تختصّ بالأحاديث الفقهيّة فحسب دون التفسيرية، وهناك جماعة أخرى تعتقد أنّ تلك الأدلّة تعمّ الأحاديث الفقهيّة والتفسيرية كليهما. هذا وقد اعتبر مشهور المحققين الشيخ الطوسي من القائلين بعدم حجّية خبر الواحد في ساحة التفسير واستدلّوا لذلك بكلامه في كتابه *التيبان في تفسير القرآن وعدة الأصول* إلا أنّ إعادة نظر جديدة على كلام الشيخ في الكتابين تقنعنا بأنّ نعلّه من أصحاب القول بحجّية خبر الواحد في التفسير أيضاً.

المفردات الرئيسية: خبر الواحد، التفسير، الشيخ الطوسي.

## حكم خلود القاتل المؤمن في الآية ٩٣ لسورة النساء، في ضوء قاعدة «تعليق الحكم على الوصف مشعر بالعلية»

- مجيد زارعي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بمجمّع فارابيّ التابع لجامعة طهران)
- حامد دزآباد (أستاذ مشارك بمجمّع فارابيّ التابع لجامعة طهران)

هناك تياران تفسيريّان رئيسيان في إيضاح قضية الخلود. فطائفة تفسّر الخلود في جهنّم بالبقاء فيها للأبد، وطائفة أخرى تفسّره بالمكوث الطويل، وليس التأييد. وعلى الرغم من أنّ الأغلبية اختارت التفسير الأوّل إلا أنّها تواجه تحدّيات كثيرة أيضاً. وهناك إشكالات قابلة للإثارة في هذا التفسير، ومنها الاستدلال بالآية ٩٣ لسورة النساء. إذ استخدمت هذه الآية مفردة عامّة للقاتل تشمل المؤمنين أيضاً؛ خاصّة أنّ الخطاب في الآيات السابقة واللاحقة موجّه إلى طائفة المؤمنين. هذا في حين أنّ المؤمنين لن يبقوا في جهنّم للأبد وفق التعاليم الإسلاميّة مثل روايات الشفاعة. والبحث الحاضر سيزيل هذا التناقض كما سيظهر بتوظيف القاعدة الأصولية «تعليق الحكم على الوصف مشعر بالعلية» أنّ وصف إيمان المقتول له شأن ودور في حكم خلود القاتل، وكان القتل المتعمّد والعدائيّ محطّ الأنظار لكون المقتول مؤمناً، الأمر الذي يناقض بالطبع روح الإيمان. وعلى هذا الأساس سيّضح بأنّ العقاب الوحيد الذي يقرّره الله العادل الرحيم وحده لمثل هذا القتل لا يُعدّ ظلماً، بل يعدّ منتهى الحكمة الإلهية البالغة، بل الحكم على هؤلاء بالخلود في جهنّم ينسجم مع الآيات الأخرى أيضاً، ولا تُعدّ هذه الآية استثناءً من حكم الخلود الذي يعني أبدية العذاب.

المفردات الرئيسة: قتل المؤمن تعمداً، الخلود في جهنم، رفع التعارض، قاعدة «تعليق الحكم على الوصف مشعر بالعلية»، الوظيفة التفسيرية.

## دراسة ونقد في المبادئ والرؤى القرآنية والتفسيرية لمحمد أمين الأستر آبادي

- محمد شريفى (أستاذ مساعد بجامعة مازندران)
- قاسم فائر (أستاذ مشارك بجامعة طهران)

محمد أمين الأستر آبادي، أحد أعلام الإمامية في القرن الحادي عشر الهجري. ألف آراءه في كتاب تحت عنوان *الفوائد المدنية*، وهذا الكتاب متميز بين مؤلفاته. ويتفرد الأستر آبادي بمبادئه ورؤاه التفسيرية والقرآنية الخاصة. تركزت هذه المقالة على تلك الآراء وتناولتها بالتحليل والنقد عبر منهجها الوصفي - التحليلي، وخلصت إلى النتائج التالية: يعدّ الأستر آبادي، التمسك بروايات المعصومين عليهم السلام السبيل الوحيد للوصول إلى الصلاح. ويرى أنّ القرآن يخاطب المعصومين عليهم السلام، معتبراً أي تفسير من غيرهم التفسير بالرأى، منكرًا حجّة ظواهر القرآن في الأحكام النظرية. إلى ذلك يطعن الأستر آبادي أيضًا في أهلية الإجماع والعقل، للاحتجاج والاستناد. يرى الأستر آبادي أنّ القرآن جامع لجميع العلوم، لا يستبعد التحريف فيه. وهناك أكثر من نقد صارم على هذه الأفكار والرؤى، ومنها: أنّ طريق الخلاص والفلاح هو التمسك بالقرآن والعترة (الثقلين) معًا. وأنّ اختصاص فهم القرآن واستيعابه بالأئمة يتنافى مع إعجاز القرآن والتحدّي به، إلا أنّ الفهم الدقيق والعميق للقرآن يختصّ بالأئمة عليهم السلام؛ لمن لا يوجد دليل على إطلاق امتناع فهمه من جانب غير المعصومين عليهم السلام. انتفاء حجّة الظواهر القرآنية يناقض الآيات التي تحثّ على التدبّر والتفكّر في القرآن. إنّ تفسير القرآن على أساس الضوابط والشروط، ممكن وضروري، ولا يُعدّ التفسير بالرأى. لا تعني الجامعية في القرآن الكريم الجامعية التامة؛ بل إنّها جامعية في الدين والهداية. وإنّ القرآن ما طاله تحريف لفظي لآية الحفظ وعدم إتيان الباطل.

المفردات الرئيسة: محمد أمين الأستر آبادي، المبادئ القرآنية، المبادئ التفسيرية.